

بازنگری روند تکوین و افول شهر قدیم دهدشت: بر پایه پژوهش‌های باستان‌شناسی ارگ شهر

چکیده

ارگ یک شهر، نه تنها به عنوان یک مرکز دفاعی و حکومتی مطرح است، بلکه بخش قابل توجهی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک شهر را نیز روایت می‌کند. ارگ‌ها به عنوان نماد حکومتی، همواره نقشی تأثیرگذار در تعاملات فرهنگی و تجاری داشته‌اند. با توجه به اینکه یکی از عناصر مهم کالبدی شهرهای تاریخی را ارگ به عنوان بخش حاکم‌نشین هر شهر تشکیل می‌دهد، شناخت پیشینه شکل‌گیری و بنیان شهرها و نقش آنها در حیات سیاسی - اداری و اجتماعی هر منطقه در گرو شناخت عنصر کالبدی یاد شده است. تحلیل تاریخی شکل‌گیری، رونق و افول شهر قدیم دهدشت و مطالعه‌ی جنبه‌های گوناگون معماری و اهمیت یافته‌های باستان‌شناختی ارگ تاریخی این شهر، انجام این پژوهش را ضروری ساخته است. طی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ دو فصل کاوش و پی‌گردی ارگ تاریخی دهدشت با هدف خواناسازی برج و باروی آن انجام شد که افزون بر بقایای معماری، قطعات بسیار اندک سفال‌های دوران تاریخی و گونه‌های متنوعی از سفال‌های دوران اسلامی یافت شد. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به دو پرسش در ارتباط با تاریخ شکل‌گیری، رونق و فروپاشی شهر و ارگ دهدشت است. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: ۱- بر اساس منابع مکتوب تاریخی و هم‌سنجی با یافته‌های باستان‌شناختی، ارگ تاریخی دهدشت به عنوان مهم‌ترین عنصر کالبدی این شهر، مربوط به چه دوره‌ای بوده و روند شکل‌گیری، گسترش و ویرانی آن چگونه بوده است؟ ۲- بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی حاصل از کاوش در ارگ بافت تاریخی دهدشت، و نیز مطالعه متون کهن، برهم‌کنش‌های فرهنگی و اقتصادی رستاق بلادشاپور به مرکزیت دهدشت در منطقه‌ی کوه‌گیلویه با مناطق دیگر چگونه بوده است؟ روش گرد-آوری اطلاعات این پژوهش میدانی - اسنادی و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تاریخی - تحلیلی است. مطالعه بقایای معماری و یافته‌های باستان‌شناختی از جمله سفال‌ها نشان می‌دهد ارگ تاریخی، دست کم از سده چهارم هـ.ق مسکون بوده و تا اواسط دوره قاجار، حداقل سه بار بازسازی شده است. منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی مانند یافته‌های سفالی نشان می‌دهد که این شهر مبادلات فرامنطقه‌ای با مناطق مختلف ایران مانند اصفهان، مشهد، کرمان و حتی کشورهای دوردست مانند چین، هند و اروپا داشته است.

کلیدواژگان: بافت قدیم دهدشت، ارگ تاریخی، کاوش باستان‌شناختی، متون تاریخی.

شهر قدیم دهدشت از معدود بافت‌های تاریخی نسبتاً سالم ایران در دوران اسلامی به شمار می‌رود که در جنوب غربی ایران قرار دارد (تصویر ۱). عناصر کالبدی این شهر را مساجد، بازار، خانه‌های مسکونی، حمام‌ها، بناهای آرامگاهی، بناهای دفاعی مانند برج‌های دیده‌بانی، بارو و ارگ، کوچه‌ها و معابر تشکیل می‌دهد که شناخت هر کدام از این عناصر نیازمند پژوهش‌های باستان‌شناسی و معماری مستقلی است. محوطه ارگ دهدشت به طول ۱۵۰ متر و عرض ۱۰۰ متر (۱/۵ هکتار) در ضلع شرقی شهر قدیم دهدشت قرار دارد (تصویر ۲). ارگ با وجود اهمیت بسیار آن از منظر مرکزیت سیاسی، اداری و رویدادهای تاریخی دوران اسلامی منطقه‌ی کوه‌گیلویه و بلادشاپور (برای آگاهی بیشتر در مورد این رویدادها بنگرید به: شاملو، ۱۳۷۵/ج ۱: ۱۱۱-۱۱۰؛ اسکندر منشی، ۱۳۹۰/ج ۱: ۲۰۰؛ سیاهپور، ۱۳۹۱؛ روشنفکر و معینی رودبالی، ۱۳۹۹؛ زکی‌پور، ۱۳۸۹)؛ کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و بیشترین آسیب نسبت به دیگر بناهای تاریخی شهر دهدشت به آن وارد شده است. بی تردید یکی از عناصر کالبدی بسیار مهم در هنگام بنیان‌گذاری و شکل‌گیری شهرهای دوران تاریخی و اسلامی ایران، ارگ و دژ حکومتی به عنوان نماد قدرت سیاسی، نظامی و مرکز اداری شهر بوده است. ارگ‌ها به عنوان مراکز دفاعی، نقش مهمی در حفاظت از شهرها و جمعیت‌های آن‌ها در برابر تهاجمات داخلی و خارجی ایفا می‌کردند. از سوی دیگر، این ارگ‌ها مراکز ثروت و خزائن حکومتی نیز بوده است و طیف وسیعی از کالاهای مصرفی و غیرمصرفی مانند انواع ظروف سفالی و شیشه‌ای نیز در آن‌ها به مصرف می‌رسید. بنابراین، ارگ‌های حکومتی مراکزی مهم برای مطالعه‌ی جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی مذهبی مطرح می‌شوند. با نظر به چنین جایگاهی، کاوش و مطالعه ارگ تاریخی دهدشت انجام شد. وجود ساخت‌وسازهای امروزی بر روی بقایای ارگ تاریخی شهر قدیم دهدشت باعث آسیب‌هایی به آن شده است. طی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ خورشیدی، کاوش در سه جبهه شمال، غرب و جنوب ارگ دهدشت، در راستای خواناسازی برج‌های ضلع جنوب غربی و بارو، با اهداف حفاظت و جلوگیری از گسترش زیرساخت‌های شهری و تخریب بقایای برج‌های مانده از ارگ، آغاز عملیات شناخت دقیق نقشه بنا و عناصر کالبدی آن و در نهایت شناخت پیشینه شکل‌گیری بنای ارگ دهدشت انجام شد. آنچه در پی خواهد آمد نتایج مطالعه و تحلیل یافته‌های باستان‌شناختی از جمله بقایای معماری برج و باروی ضلع شمال غرب و جنوب غرب و سفال‌های یافت شده از کانتکست‌های مختلف ترانشه‌های دو فصل کاوش ارگ به منظور شناخت روند تطور و تکوین این عنصر کالبدی سیاسی - اداری و دفاعی شهر دهدشت در گستره جغرافیایی منطقه کوهستانی کهگیلویه بوده که با منابع تاریخی تلفیق و هم‌سنجی گردیده است.

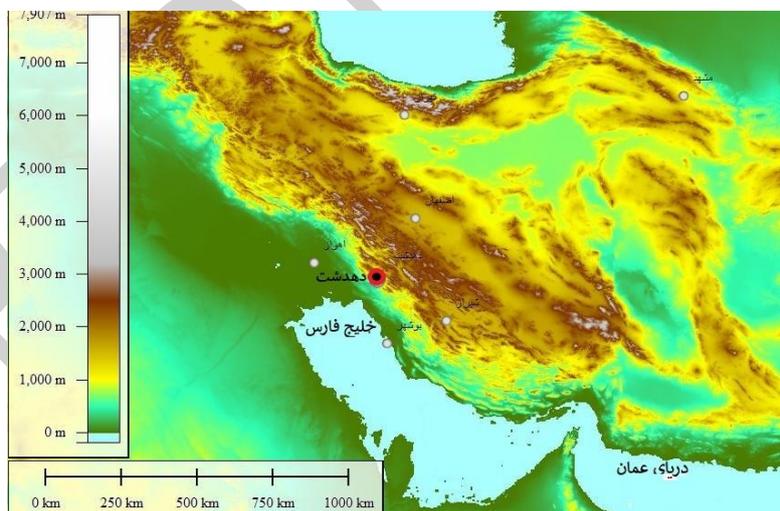
پرسش‌های پژوهش: در این پژوهش سعی شده است به دو پرسش بنیادی در خصوص تاریخ شکل‌گیری شهر دهدشت پاسخ داده شود: ۱- بر اساس منابع مکتوب تاریخی و هم‌سنجی با یافته‌های باستان‌شناختی، ارگ تاریخی دهدشت به‌عنوان

مهم‌ترین عنصر کالبدی این شهر، مربوط به چه دوره‌ای بوده و روند شکل‌گیری، گسترش و ویرانی آن چگونه بوده است؟ ۲- بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی حاصل از کاوش در ارگ بافت تاریخی دهدشت، و نیز مطالعه متون کهن، برهم‌کنش‌های فرهنگی و اقتصادی رستاق بلادشاپور به مرکزیت دهدشت در منطقه‌ی کوه‌گیلویه با مناطق دیگر چگونه بوده است؟

فرضیات پژوهش

متناظر با پرسش‌ها، مهم‌ترین فرضیات در خصوص تاریخ شکل‌گیری، رونق و افول شهر دهدشت، عبارت‌اند از: ۱- ساخت ارگ دهدشت به سده‌های نخست اسلامی باز می‌گردد و روند گسترش و ترک و ویرانی آن تا سده‌های متأخر اسلامی تداوم داشته است. ۲- شهر دهدشت تعاملات فرهنگی و اقتصادی با مناطق مختلف ایران مانند خوزستان، فارس، اصفهان، کرمان، مشهد و حتی کشورهای دوردستی مانند چین، هند و اروپا در دوران اسلامی داشته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب تاریخی، بقایای معماری و یافته‌های باستان‌شناسی مانند سفال‌ها انجام شده است. یافته‌های پژوهش به دو روش کاوش میدانی و منابع اسنادی گردآوری شده است. در روش میدانی، یافته‌های حاصل از کاوش بر اساس ترانشه و بستر قرارگیری آنها در اضلاع شمال غربی، جنوب غربی و جنوب شرقی کاوش مستندنگاری، معرفی، مقایسه و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌های باستان‌شناختی با منابع مکتوب تاریخی در خصوص تاریخ رستاق بلادشاپور و شهر دهدشت هم‌سنجی شده و در نهایت مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته است.



تصویر ۱. موقعیت دهدشت در جنوب غربی ایران (نگارندگان ۱۴۰۳)



تصویر ۲. بافت قدیم شهر دهدشت و موقعیت ارگ تاریخی در تصویر ماهواره‌ای ۱۳۳۸ شمسی (نگارندگان ۱۴۰۳)

پیشینه پژوهش: از منظر باستان‌شناسی، تا پیش از دو دهه گذشته، منطقه کهگیلویه و شهر دهدشت کم‌تر مورد پژوهش قرار گرفته بود. هریسون در سال ۱۳۱۵ شمسی ضمن اشاره به خالی بودن شهر از سکنه، از ساختمان‌های مستحکم و سالم و بناهای گنبدی صحبت به میان آورده است که بیانگر دوره‌ای از آرامش و امنیت و رونق کشاورزی در این منطقه بوده است (Harrison, 1936: 28). دو سال پس از بازدید هریسون، در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، استین شهر را متروکه توصیف کرده که صحنه چشمگیر یک فروپاشی را نشان می‌داد (Stein, 1938: 32). هاینس گاوبه (۱۳۵۹) نیز در ادامه مطالعات بخش‌های شمالی کوره آرگان، از نظر باستان‌شناسی به توصیف برخی از بناها و بقایای معماری شهر دهدشت پرداخت. هیچ کدام از این محققین، توصیف و برداشتی از ارگ تاریخی شهر نداشتند. بررسی‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۸۷ خورشیدی نشان داد قدیمی‌ترین آثار شناسایی شده در شهر دهدشت، محوطه‌ای به مساحت ۴۹۰۰ متر مربع مربوط به دوره پارینه سنگی جدید است که در حدود ۶۰۰ متری جنوب غربی شهر قرار دارد (آزادی، ۱۳۸۷). شواهد این محوطه شامل ابزار سنگی خراشنده، سوراخ کننده، تیغه‌ها، ریزتیغه‌ها و سنگ مادر ریزتیغه‌ها، تراشه‌ها و سنگ مادر تراشه است که این قطعات در مجموعه‌های دوره پارینه سنگی زاگرس مرکزی و جنوب غربی ایران دیده می‌شود (آزادی، ۱۳۸۷: ۶۸۶-۶۸۷). در بهار سال ۱۳۹۱ و در راستای اجرا و طرح احیای بافت محله امامزاده جابر دهدشت و به منظور شناخت دوره‌های فرهنگی شهر، گمانه آزمایشی با ابعاد ۲ در ۲ متر ایجاد شد که تا عمق ۳ متر و ۲۵ سانتی‌متر کاوش ادامه یافت. مطالعه یافته‌های سفالی نشان داد شهر دهدشت دارای استقرار از دوره باکون یعنی طی دوران مس و سنگ (یا دوره روستانشینی) بوده است (طهماسبی و موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). معتبرترین منبع در خصوص باستان‌شناسی دهدشت، کتاب «باستان‌شناسی مجموعه بافت تاریخی دهدشت» است (رایگانی، ۱۳۹۶) که نویسنده تلاش کرده ضمن معرفی عناصر کالبدی معماری شهر دهدشت، با مطالعه سفال‌های سطحی، کاشی‌ها و سکه‌های به دست آمده، حیات سیاسی و اجتماعی

شهر دهدشت را مورد مطالعه قرار دهد، با وجود این، تنها به تشریح موقعیت و وضعیت پدافندی بقایای این ارگ نسبت به شهر بسنده کرده است (همان، ۱۳۰-۱۳۳). در پژوهشی دیگر، در خصوص روند تکوین و فراز و فرودهای شهر دهدشت، تلاش شده با استناد به سکه‌های مکشوفه از بنای آرامگاهی پیرغازی، نشان داده شود که نام دهدشت پیش از عصر صفویه، کوهگیلویه بوده است (مسعودی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۸-۱۳۷). پاکباز و کریمیان شکل‌گیری و رشد اولیه شهر را به دوران ایلخانی و تیموری و رونق و شکوفایی آن را به دوره صفویه نسبت داده‌اند (پاکباز و کریمیان، ۱۴۰۳: ۱۷۲-۱۷۱)، در صورتی که نویافته‌های کاوش باستان‌شناسی در ارگ تاریخی شهر بیانگر تاریخ شکل‌گیری شهر دست کم طی سده‌های سوم و چهارم هجری است.

رویکرد کاوش

طی دو فصل کاوش تعداد ۲۴ ترانشه جهت خواناسازی برج و باروی ارگ ایجاد شد (جدول ۱). نقطه ثابت اندازه‌گیری در بلندترین قسمت ارگ بر روی دیوار میانی قلعه که بر روی بستر صخره‌ای قرار داشت انتخاب گردید که از سطح دریا ۸۰۸ متر ارتفاع داشت. شماره‌گذاری کانتکست‌ها از ۰۰۱ آغاز شد و با تغییر در نوع بافت، رنگ خاک، نوع یافته و یا مشاهده هر سازه‌ی معماری جدید در ترانشه، به آن شماره کانتکست جداگانه تعلق گرفت. جهت ثبت یافته‌های منقول نیز از عبارت Deh.Arg (ارگ دهدشت)، سال و سپس شماره ترانشه، کانتکست و شماره یافته بهره گرفته شد. در فصل نخست کاوش در سال ۱۳۹۹، ترانشه A در میانه‌ی ضلع جنوبی، ترانشه‌های F و B در مکان قرارگیری دروازه و برج میانی ضلع جنوب غربی (در محل الحاق برج به دیوار بارو)، ترانشه C در مکان برج غربی ارگ و ترانشه‌های D و E نیز در میانه‌ی ضلع شمال غربی ارگ هم‌جوار با جاده ارتباطی امروزی ایجاد شدند (تصویر ۳). عرض بیشتر ترانشه‌ها ۵ متر و طول آنها بین ۵ تا ۱۰ متر متغیر بود تا بتوان بیشترین اطلاعات را در خصوص تغییرات معماری و پی‌گردی دیوار بارو و برج‌های ارگ به دست آورد. در فصل دوم کاوش در سال ۱۴۰۱، ترانشه G در ادامه ترانشه F7 فصل قبل که در زیر آن بخشی از دیوار بارو قرار گرفته است، ترانشه H در ضلع غربی، جایی که پیش‌تر گمان می‌رفت بقایای اندکی از تهرنگ برج در ترانشه C فصل قبل قرار گرفته باشد، ایجاد شدند (تصویر ۴). با مشخص شدن وضعیت ترانشه H که در جریان تعریض جاده و کانال خط لوله آب، برج غربی از بین رفته بود، کاوش با ایجاد ترانشه‌های طولی با جهت شمال شرقی - جنوب غربی، J4-J به عرض ۲-۳ متر و طول ۵ متر، بر روی دیوار بارو در ضلع شمال غرب متمرکز گردید. آنچه بیش از همه به شناخت روند شکل‌گیری و تکوین بنای ارگ می‌افزاید بقایای معماری و یافته‌های سفالین است.

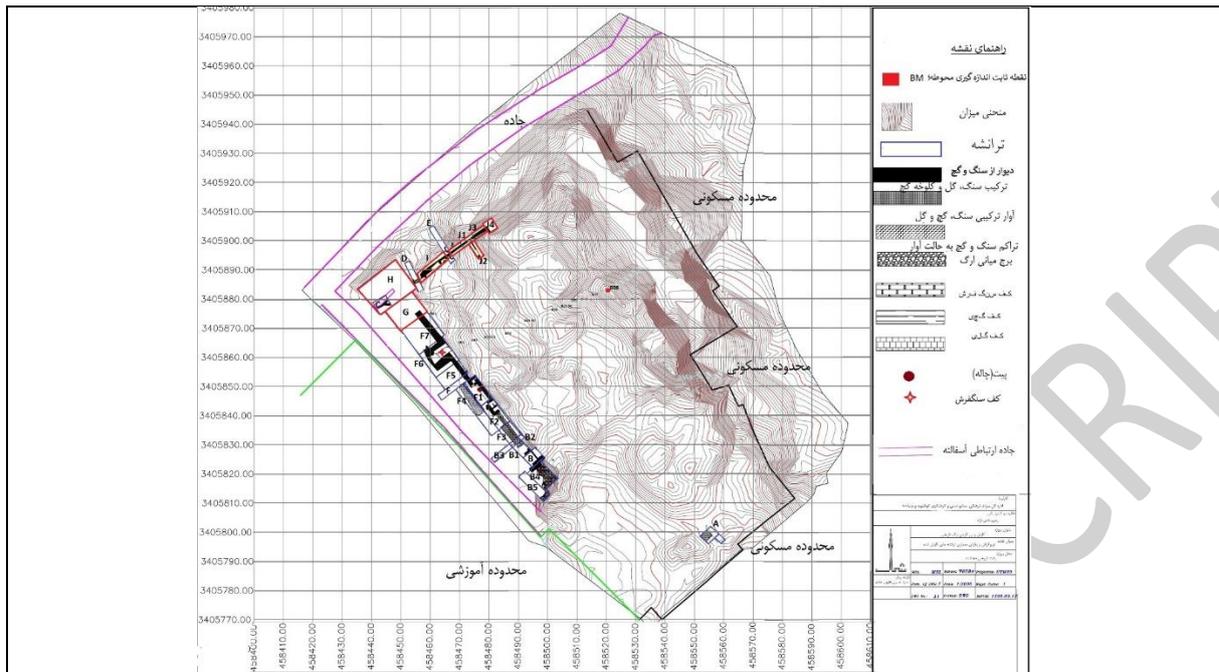
جدول ۱: موقعیت ترانشه‌های کاوش شده و ابعاد آنها (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام ترانشه	ابعاد ترانشه‌ها (متر)	موقعیت ترانشه در محوطه	سال کاوش
۱	A	۵ در ۵	جنوب شرقی	۱۳۹۹

۱۳۹۹	جنوب غربی	۵ در ۱۰	B-B4,C,	۲
۱۳۹۹	جنوب غربی	۲ در ۱۰	F	۳
۱۳۹۹	جنوب غربی	۱۰ در ۱۰	F1-F7	۴
۱۳۹۹	جنوب غربی	۲ در ۱۰	D,E	۵
۱۴۰۱	جنوب غربی	۱۰ در ۱۰	G,H	۶
۱۴۰۱	شمال غربی	۳ در ۵	I, J-J4	۷

معماری

با کاوش و پی‌گردی، بقایای دیوار بارو در ضلع شمال غربی، بقایای بخش‌هایی از دیوار بارو و برج میانی ضلع جنوب غربی و دو ورودی بنا در ضلع جنوب غربی خواناسازی شد. در پایان دو فصل کاوش می‌توان احتمال داد در چوبی ورودی کنار برج میانی قلعه در جریان آتش‌سوزی (?) سوخته است که بقایای خاکستر در پیشانی ورودی (تصویر ۴، پ - ت) حاکی از این امر است. با توجه به شواهد معماری دیوار بارو در اضلاع سه گانه شمال غربی، جنوب غربی و جنوب شرقی، لایه‌های گچ کوبیده کف سردر ورودی پیش آمده و همچنین ورودی قلعه در کنار برج میانی و یافته‌های سفالی، به نظر می‌رسد ارگ دست کم سه دوره ساخت-وساز داشته است:



الف. موقعیت ترانشه‌های کاوش شده فصل اول (رنگ آبی) و فصل دوم (رنگ قرمز)



ب. موقعیت ترانشه‌های فصل دوم کاوش (رنگ زرد)

ب. موقعیت ترانشه‌های برج و باروی فصل نخست کاوش (رنگ زرد)

تصویر ۳: موقعیت کارگاه‌های دو فصل کاوش و پی‌گردی برج و باروی ارگ تاریخی دهدشت (سپیدنامه، ۱۴۰۱)

دوره نخست: نخستین شواهد ما از این دوره، دیوار اصلی بارو در ترانشه‌های F2-F در ضلع جنوب غربی و ترانشه‌های I-J است که با استحکام زیادی با مصالح لاشه‌سنگ و ملات گچ به پهنای یک متر ساخته شده است (تصویر ۴، الف). در ترانشه F1 این دیوار در زیر بازسازی دیوار دوره جدیدتر از آن کاملاً مشهود است به طوری که سنگ‌ها چینش منظم دارد و سطح آنها پوسته پوسته و دچار فرسایش شده است. در این دوره از ساخت و ساز، سنگ‌های به کار رفته در ساخت دیوار عمدتاً مستطیلی شکل با میانگین ابعاد $12 \times 20 \times 30$ سانتی‌متر و $20 \times 23 \times 40$ سانتی‌متر است. چینش سنگ‌ها نیز به صورت افقی منظم و و فاصله‌ی بین سنگ‌ها که با ملات گچ پر شده است، حدود دو تا چهار سانتی‌متر است (تصویر ۴، ب). در ترانشه F2، این دیوار از لاشه‌سنگ و

مالات گچ، به طول ۴ متر، عرض ۱۱۵ سانتیمتر و ضخامت ۳۰ سانتی‌متر است که در ضلع غربی خود دارای دو پشت‌بند است که حدود ۵۰ سانتی‌متر پیش آمدگی از دیوار دارند. در این دوره با توجه به بخش آواری ضلع غربی در ترانسه F4، احتمالاً ارگ بر اثر حادثه‌ای ویران شده، به طوری که دیوار از جا کنده شده و یک متر در جهت غربی‌تر افتاده است. بقایای یک هاون سنگی و همچنین قالب‌های شمشه‌گیری شده گچی در میان آوار ترانسه F4 به خوبی حکایت از این امر دارد. در ترانسه ۱ و J1-ل این دیوار از لاشه سنگ و ملات گچ، به طول ۲۴ متر است که نمای شمال غربی دیوار نیز با سنگ‌های ماسه‌ای نخودی، بسیار فرسایش یافته و رویه آنها به رنگ قرمز گراییده و پوسته پوسته شده است. ورودی میانه ضلع جنوب غربی ارگ، که همراستا با دیوارهای یاد شده در ترانسه‌های B و F قرار گرفته (تصویر ۴، پ-ث)، مربوط به دوره اول تاریخ بنای ارگ است.



ب. شیوه دیوارچینی و بکارگیری مصالح در دوره اولیه ساخت و تعمیر ارگ

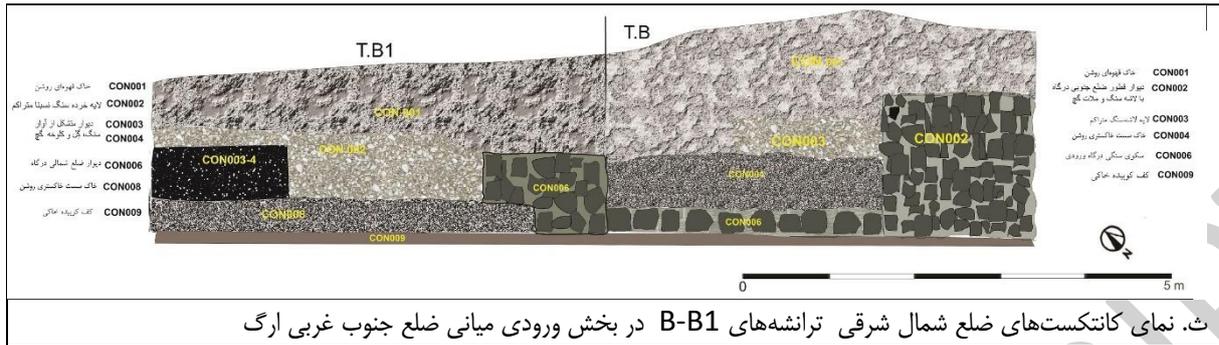
الف. دیوار ضلع شمال غربی باروی ارگ در ترانسه‌های ۱-ل؛ دید از شمال غرب



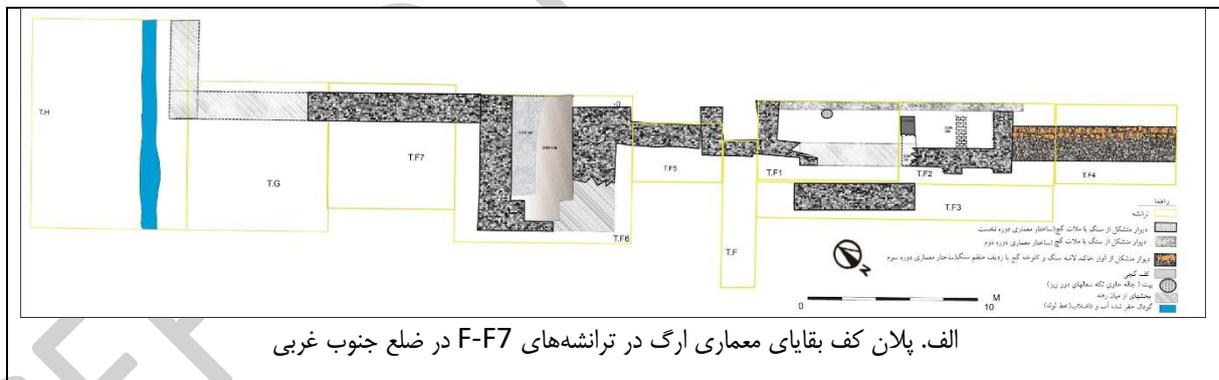
ت. ورودی میانی ضلع جنوب غربی ارگ در ترانسه B

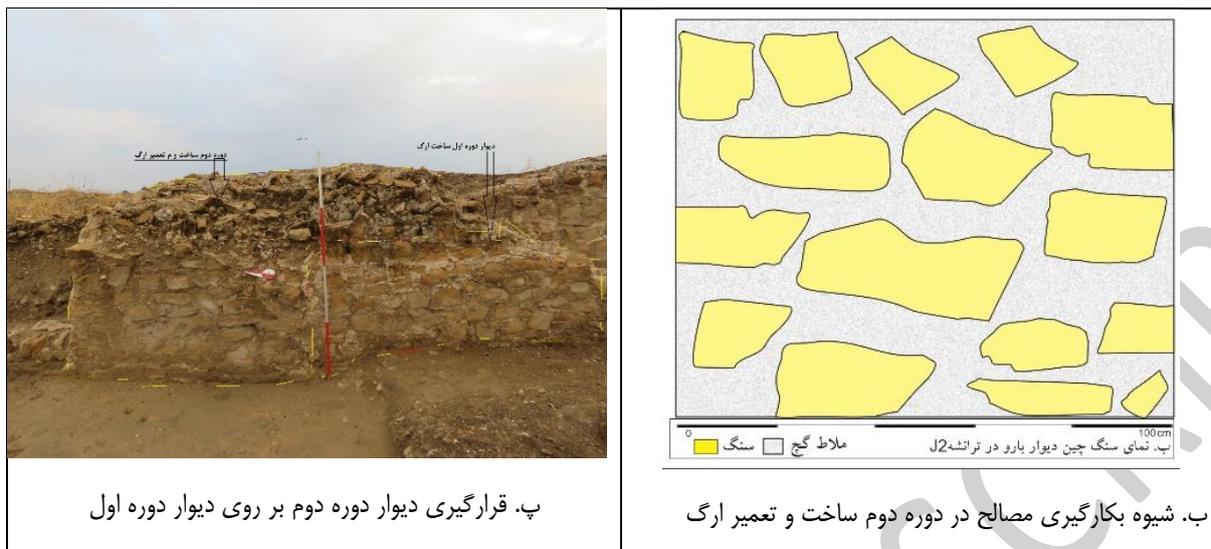


پ. شواهد سوختگی پیشانی ورودی میانی ضلع جنوب غربی ارگ در ترانسه B



دوره دوم: در این دوره، دیوار بارو که با مصالح لاشه‌سنگ و ملاط گچ ساخته شده است، در میانه ضلع غربی تا حدود یک متر عقب‌نشینی یا تورفتگی دارد. در این تورفتگی دیوار، برخی از فضاهای داخلی قلعه با دیوار باروی جدید مسدود گردیده‌اند که شواهد آن در ترانسه F1 و F2 در ضلع جنوب غربی ارگ و همچنین J2 در ضلع شمال غربی ارگ قابل مشاهده است (تصویر ۵، الف). شواهد بازسازی دوره دوم به روشنی از چاله زباله ترانسه F1، و چینش مستطیلی شکل سنگ‌های نمای دیوار آشکار است. در این دوره از ساخت و ساز ارگ، سنگ‌های به کار رفته در ساخت دیوار عمدتاً مستطیلی شکل تا حدودی نامنظم (چندضلعی) با میانگین $۴۵ \times ۲۰ \times ۱۵$ سانتی‌متر و $۲۵ \times ۲۰ \times ۱۵$ سانتی‌متر است. چینش سنگ‌ها نیز به صورت افقی - عمودی نسبتاً نامنظم و فاصله بین سنگ‌ها که با ملاط گچ پر شده، حدود ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر است (تصویر ۵، ب). دیوار دوره دوم در ترانسه B بر روی دیوار دوره اولیه ساخت ارگ جهت بازسازی و تعمیر بنا، ساخته شده است (تصویر ۵، پ).





تصویر ۵: بقایای معماری مرتبط با تعمیر و بازسازی دوره دوم ساخت ارگ (سپیدنامه، ۱۴۰۱)

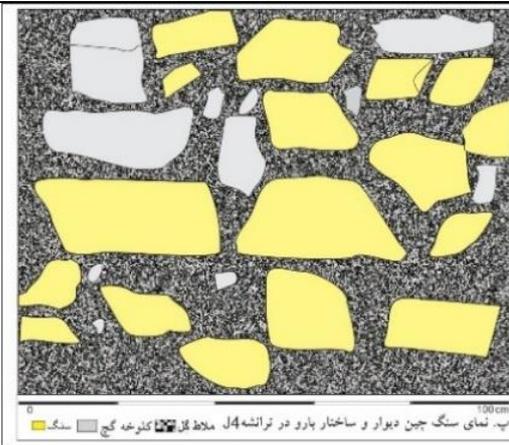
دوره سوم: در این دوره، از ملات گل و کلوخه‌های گچی برای بازسازی دیوار ارگ استفاده شده است که شواهد این دیوار متأخر، در ترانشه‌های A در ضلع جنوب شرقی، B1, B2, F3 در ضلع جنوب غربی و ترانشه‌های J3 و J4 در ضلع شمال غربی ارگ دیده می‌شود. در ضلع جنوب غربی ارگ این ساختار معماری دارای دو رج سنگ با چینش منظم به پهنای حدود دو متر بوده (تصویر ۶ الف-ب) که با لاشه‌سنگ‌هایی با میانگین ابعاد ۲۴ در ۲۳ در ۱۵ سانتی‌متر و کلوخه‌های گچی با ملات گل ساخته شده است. هم‌سطح با بخش دیوار، یک لایه آوار به‌عنوان پشت‌بند در جهت غربی و نمای بیرونی این دیوار قرار داده شده است. با توجه به قرارگیری این ساختار بر روی لایه گچی کوبیده در ترانشه B1 و ادامه آن در ترانشه B2، به نظر می‌رسد که در واپسین دوره حیات ارگ پس از تخریب باروی آن، مجدداً مورد استفاده قرار گرفته شده باشد. ساختار دیوار در ضلع شمال غربی (J3-J4) و جنوب شرقی ارگ (ترانشه A) در دوره سوم از لاشه‌سنگ، ملات گل و کلوخه‌های گچی برای بازسازی دیوار آن استفاده شده است. این ساختار معماری دارای یک رج سنگ با چینش نسبتاً منظم است که با لاشه‌سنگ‌هایی با میانگین ابعاد ۲۱×۲۰×۱۲ سانتی‌متر و ۱۳×۱۲×۹ سانتی‌متر و کلوخه‌های گچی با میانگین ابعاد ۱۲×۸×۵ سانتی‌متر و ۱۵×۱۷×۹ سانتی‌متر با ملات گل (?) ساخته شده که در لابه‌لای آنها نیز آوار ساختمانی و حتی قطعات سفال نیز دیده می‌شود (تصویر ۶ پ-ت). بازسازی و تعمیر دیوارهای بارو در دوره سوم در ترانشه‌های J و I بر روی دیوار دوره اول ساخت بنا انجام شده است که نشان از تخریب بخش‌هایی از بارو در ضلع شمالی غربی دارد.



ب. بقایای دیوار بارو؛ ترانسه G



الف. باروی متشکل از آوار در ضلع جنوب غربی ارگ در ترانسه-های B1-B2



ت. شیوه دیوارچینی و بکارگیری مصالح در دوره متأخر ساخت و تعمیر ارگ

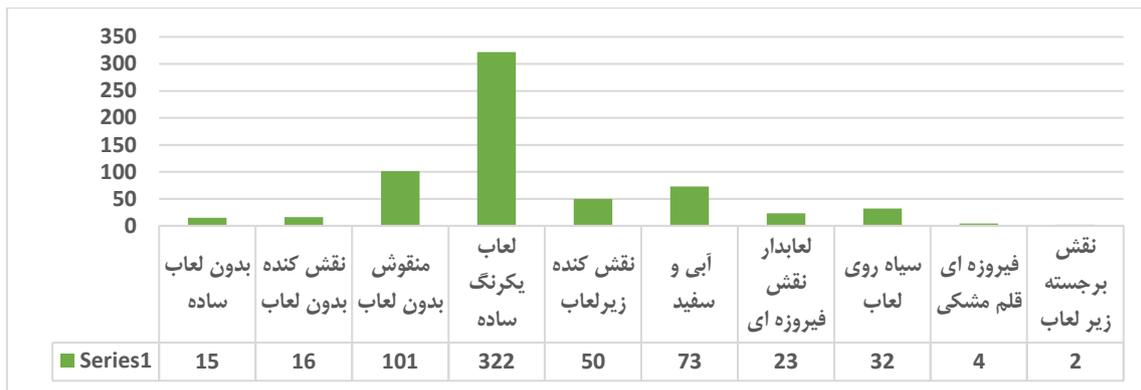


پ. باروی متشکل از آوار در ضلع جنوب غربی ارگ در ترانسه‌های B1-B2

تصویر ۶: بقایای معماری بازسازی و تعمیر مرتبط با دوره سوم ساخت ارگ (سپیدنامه، ۱۴۰۱)

یافته‌های سفالی؛ طبقه‌بندی و گاه‌نگاری

طی دو فصل کاوش ارگ، گونه‌های متنوع سفالی شناسایی شد که می‌تواند در ارتباط با تاریخ شکل‌گیری این بخش از شهر قدیم دهدشت به ما کمک نماید. طبقه‌بندی و گاه‌نگاری دقیق این سفال‌ها منجر به شناخت دقیق‌تر روند تکوین و فروپاشی شهر دهدشت در رستاق بلادشاپور خواهد شد. از مجموع ۶۸۳ قطعه سفال یافت شده طی دو فصل کاوش ارگ، گونه‌های متنوعی از سفالهای دوران تاریخی و اسلامی شناسایی شد (شکل ۱) که ۲۲۲ قطعه لبه، ۱۰۷ قطعه کف، ۳۴۴ قطعه بدنه، سه قطعه دسته متصل به شانه و یک عدد سه‌پایه سفالی و شش قطعه درپوش سفالی بودند. گونه‌های سفالی به دست آمده از دو فصل کاوش عبارت‌اند از:



شکل ۱. گونه‌های سفالی یافت شده از فصل اول و دوم کاوش ارگ تاریخی دهدشت

۱) سفال بدون لعاب: گونه‌های سفال بدون لعاب حاصل از کاوش ارگ عبارت‌اند از: سفال قرمز، سفال خاکستری، سفال

نخودی با نقش کنده و سفال منقوش بدون لعاب موسوم به شبه پیش از تاریخی.

۱-۱) سفال قرمز ساده: سفال قرمز از محدود سفال‌هایی است که کمترین فراوانی را در میان قطعات سفالی یافت شده از

ارگ دارد و تنها از این گونه سفالی دو قطعه لبه کوچک از کانتکست ۰۱۰ ترانشه F1 (پیت) به دست آمد (جدول ۲، شماره‌های ۱

و ۲). این دو قطعه با خمیره‌ای گلی به رنگ قرمز با پوشش رقیق گلی قرمز روی هر دو سطح به رنگ خمیره با آمیزه ماسه نرم

هستند که حرارت برای پخت آنها کافی بوده است. هر دو قطعه چرخ‌ساز و نسبتاً ظریف هستند. فرم یکی از لبه‌ها که می‌توان آن

را در گروه لبه ناودانی جای داد (جدول ۲، شماره ۲)، با توجه به نمونه‌های مشابه (لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۰، شکل ۵)، قابل

انتساب به دوره ساسانی است.

۱-۲) سفال خاکستری ساده: شمار سفال‌های خاکستری در میان سفال‌های یافت شده از دو فصل کاوش ارگ بسیار اندک

است و تنها دو قطعه از این گونه سفالی چرخ‌ساز ظریف به دست آمد که سطحی نسبتاً صیقلی دارند (جدول ۲، شماره‌های ۳ و ۴).

این سفال‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ خاکستری مایل به سیاه با آمیزه ماسه نرم و بافتی متراکم هستند. این سفال‌ها دارای

پوششی به رنگ سیاه بوده و از پخت کافی برخوردارند. سفال سیاه صیقلی در قلعه گلرخ، از محوطه‌های دوره ساسانی در دشت-

های پس کرانه‌ای شمال خلیج فارس نیز یافت شده است (جدول ۲، شماره ۳).

۱-۳) سفال بدون لعاب با نقش کنده: قطعات سفال بدون لعاب با نقش کنده در میان قطعات سفالی حاصل از دو فصل

کاوش ارگ دهدشت بسیار اندک است و تنها پنج قطعه یافت شد که یک قطعه لبه و چهار قطعه دیگر متعلق به بدنه ظرف

هستند (جدول ۲، شماره‌های ۸-۳). این قطعات دارای خمیره نخودی هستند و در ساخت آنها از آمیزه کانی شن‌ریز و ماسه نرم

استفاده شده است، آنها چرخ‌ساز بوده و از پخت کافی برخوردارند. قطعه لبه دارای نقش کنده روی نوار برجسته و قطعات بدنه با

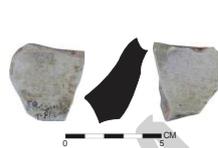
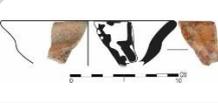
نقش کنده شیاری افقی و دواير منفرد و نقش گلبرگ مانند تزئین شده‌اند. قطعه شماره ۵ (جدول ۲) با توجه به نمونه‌های مشابه

از لحاظ نوع تزیین، قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از تپه اشرف اصفهان است (جعفری زند، ۱۳۸۹: لوح ۷۳، شماره ۵۳۵). برخی از قطعات بدنه (جدول ۲، شماره ۸) نیز قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از لایه نهم گمانه B کاوش مهریوان متعلق به سال ۵۰ تا ۲۴۰ هـ.ق (اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۲۷۶-۲۵۶) و قطعاتی دیگر یافت شده از شهر عسکر مکرم خوزستان مربوط به سده پنجم هـ.ق است (عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۱۳، شماره‌های ۳ و ۵).

۴-۱) سفال بدون لعاب با پوشش گلی نخودی: پس از سفال قرمز ظریف، سفال با پوشش گلی نخودی کمترین فراوانی را در میان قطعات سفالی یافت شده از ارگ دارد و از این گونه سفالی یک قطعه کوچک از کانتکست ۰۱۰ ترانشه F1 (پیت) به دست آمد (جدول ۲، شماره ۶). ایجاد پوشش گلی ساده بر روی سفال‌های دوران پیش از اسلام نیز دیده شده و نمونه‌هایی از قطعات ظروف سفالی که با این شیوه ساخته شده‌اند به دوره هخامنشی تاریخ‌گذاری شده است (عزیزی، ۱۳۹۰: ۶۶) با این تفاوت که در ظروف پیش از اسلام از آمیزه گیاهی یا ترکیبی از آمیزه کانی - گیاهی و در ظروف دوره اسلامی از آمیزه کانی (ماسه نرم) استفاده شده است. ظروف سفالی تولید شده با این شیوه را در دوران اسلامی به سده‌های سوم و چهارم هـ.ق نسبت داده‌اند (توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

۵-۱) سفال منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخ): پس از سفال‌های بدون لعاب، بیشترین سفال‌های یافت شده از دو فصل کاوش ارگ را سفال‌های منقوش بدون لعاب (۱۰۱ قطعه) شامل می‌شوند (جدول ۲، شماره‌های ۱۲-۹) که در ادبیات باستان‌شناسی ایران با نام سفال بدون لعاب نقش‌دار (گاوبه، ۱۳۵۹: ۳۷۷-۳۸۱)، سفال پیش از تاریخی دروغین (ویتکمب، ۱۳۸۲) و سفال شبه پیش از تاریخ (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۳) از آنها یاد می‌شود. مشخصه‌ی عمده این سفال‌ها خمیره نارنجی با آمیزه شن‌ریز و پخت نسبتاً کافی است که سطح بیرونی و درونی آنها با لایه گلی رقیق به رنگ آخرایبی و خاکستری پوشیده شده است. فرم بیشتر سفال‌ها را کاسه تشکیل می‌دهد. سطح دودزده برخی از ظروف نشان می‌دهد که در معرض آتش قرار گرفته و از آنها برای پخت و پز استفاده شده است. تزیین عمده این ظروف را نوارهای قهوه‌ای رنگ مایل به قرمز بر هر دو سطح ظرف و لکه‌های قهوه‌ای رنگ تشکیل داده است که با بی‌نظمی کشیده شده‌اند. برخی از ظروف افزون بر این نوارهای قهوه‌ای رنگ، با نقوش کنده مدور و همچنین نوارهای افزوده با نقش کنده بر روی آنها تزیین شده‌اند (شکل ۹). با توجه به پژوهش‌های انجام شده (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۴؛ سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۲۰؛ Sumner & Whitcomb 1999: 320) و نمونه‌های مشابه (جدول ۲، شماره‌های ۱۲-۹) این گونه‌ی سفالی قابل تاریخ‌گذاری به سده‌های سوم تا ششم هـ.ق است.

جدول ۲: گونه‌های سفال بدون لعاب ساده و منقوش یافت شده از ارگ تاریخی دهدشت (نگارندگان ۱۴۰۳)

منبع مقایسه‌ای تصویری	منبع مقایسه/ تاریخگذاری	تصویر	نوع قطعه، رنگ خمیره، آمیزه، پوشش سطحی، نوع ساخت، کیفیت پخت، تزیین	مکان یافت		ردیف
				ترانش ۵	کانتکست	
	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: شکل ۱، شماره ۱۹		لبه، قرمز، رقیق گلی، چرخ‌ساز، کافی	F2	۰۰۲	۱
	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: شکل ۱۷۰، شماره ۵		لبه، قرمز، رقیق گلی، چرخ‌ساز، کافی	F3	۰۰۱	۲
	غلامی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۳، شکل ۱۱		بدنه، خاکستری، ماسه نرم، صیقلی، چرخ‌ساز، پخت کافی، بدون تزیین	A	۰۰۲	۳
			بدنه، خاکستری، ماسه نرم، صیقلی، چرخ‌ساز، پخت کافی، بدون تزیین	A	۰۰۲	۴
	جعفری زند، ۱۳۸۹: لوح ۷۳، شماره ۵۳۵		لبه، نخودی، شن‌ریز با تراکم زیاد، بدون پوشش، دست‌ساز، کافی، نقش‌کننده	E	۰۰۲	۵
	اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۹: تصویر ۵-۳۴		بدنه، قهوه‌ای، ماسه نرم، گلی نخودی، چرخ‌ساز، پخت کافی، بدون تزیین	F	۰۱۰	۶
-	رجبی، ۱۳۹۴: Sumner & Whitcomb 1999: 320		آتشدان قلیان، نارنجی، شن‌ریز، چرخ‌ساز، کافی، معمولی، نقش‌کننده	D	۰۰۱	۷
	اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۹: عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۱۳، شماره ۵		بدنه، نخودی، ماسه نرم، بدون پوشش، چرخ‌ساز، پخت کافی، نقش کننده	F	۰۱۰	۸
	صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۴۱، جدول ۴، شماره ۴۴		لبه، نارنجی، شن‌ریز، گلی رقیق، چرخ‌ساز، کافی، نقوش هندسی قهوه‌ای رنگ	B	۰۰۲	۹
	ویتکمب، ۱۳۸۲: ۹۳، شکل ۴-۷		بدنه، نارنجی، شن‌ریز، رقیق گلی، دست‌ساز، ناکافی، نقاشی قهوه‌ای رنگ	J	۰۰۲	۱۰
-	رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۴ Sumner & Whitcomb 1999: 320		بدنه، نارنجی، شن‌ریز، رقیق گلی، دست‌ساز، ناکافی، ترکیبی نقاشی قهوه‌ای رنگ و نقش‌کننده	J	۰۰۲	۱۱
	قزلباش و پرویز، ۱۳۹۲: شکل ۳، شماره ۹		بدنه، نارنجی، شن‌ریز، بدون پوشش، دست‌ساز، پخت ناکافی، نقاشی به رنگ قهوه‌ای و نقش برجسته			۱۲

۲) سفال‌های لعاب‌دار: سفالینه‌های لعاب‌دار ارگ متشکل از گونه‌های مختلف سفال لعاب‌دار ساده، سفال آبی و سفید، سفال منقوش به رنگ سیاه روی زمینه لعاب فیروزه‌ای، زرد و سفید، سفال با نقش کنده زیر لعاب، سفال با نقش برجسته زیر لعاب، فیروزه قلم مشکی و سفال لعاب‌دار مات پاشیده فیروزه‌ای هستند (جدول ۳).

۲-۱) سفال‌های لعاب‌دار ساده: بیشترین تعداد سفال‌های یافت شده از دو فصل کاوش ارگ را سفال‌های لعاب‌دار ساده تشکیل می‌دهد (۳۲۲ قطعه از مجموع ۶۸۳ قطعه سفال) که دارای خمیره‌ای از گل رس به رنگ قهوه‌ای و نخودی با آمیزه ماسه نرم هستند و از پخت کافی برخوردارند. لعاب سفال‌ها به رنگ‌های سبز، آبی، زرد، بادمجانی و سفید است که در ترکیب آنها ذرات ریز سیاه نیز دیده می‌شود. ضخامت سفال‌ها حدود ۷ تا ۹ سانتی‌متر، قطر لبه‌ی آنها ۲۰ تا ۲۸ سانتی‌متر و کف مقعر آنها حدود شش تا هشت سانتی‌متر و فرم آنها بیشتر کاسه، بشقاب و پیه‌سوز است. فرم برخی از قطعات سفالی (جدول ۳، شماره ۱) قابل مقایسه با نمونه بدست آمده از محوطه تاریخی عسکر مکرم تاریخگذاری شده به سده‌های سوم تا هفتم هجری (عطایی، ۱۳۹۵: ۲۲۸، لوحه ۲۳، شماره ۳) و پیه‌سوز نیز با توجه به نمونه‌های مشابه قابل تاریخگذاری به سده ششم هق است (مورگان، ۱۳۸۳: ۱۶۳). برخی از کاسه‌های گود با دیواره شیب‌دار (جدول ۳، شماره ۲) قابل مقایسه با سفال‌های سده‌های پنجم تا هفتم هجری است که از محوطه‌های رامهرمز (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶۲، L)، گرگان (کیانی، ۱۳۸۰: ۳۹)، محوطه کاسه‌گران الموت (صدرایی، ۱۳۸۶: ۹۹، طرح ۱)، راس‌الخیمه در حوزه خلیج فارس (Kennet, 2004: fig.12, 496) و دژ کوه کهگیلویه (سپیدنامه، ۱۴۰۰: ۱۹۱) یافت شده است.

۲-۲) سفال فیروزه‌ای قلم مشکی: سفال فیروزه‌ای قلم مشکی یکی از گونه‌های سفالی یافت شده به دوران سلجوقی - ایلخانی است (توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۱) که تنها دو قطعه از این گونه سفالی طی دو فصل کاوش یافت شده است (جدول ۳، شماره ۱۰). این دو قطعه از کانتکت ۰۰۱ ترانشه B و کانتکت ۰۰۱ ترانشه B5 یافت شد. قطعات یافت شده از این گونه سفالی در کاوش ارگ، شامل یک قطعه لبه و یک قطعه کف با خمیره نخودی، آمیزه ماسه نرم، نقش سیاه زیر لعاب فیروزه‌ای است که با نقش گلبرگ چهار پر تزیین شده است. قطعات سفالینه‌های فیروزه‌ای قلم مشکی حاصل از کاوش ارگ، قابل تاریخ‌گذاری به ششم و هفتم هق هستند و نمونه‌های مشابه از لحاظ تکنیک تزیین از محوطه‌هایی مانند جیرفت نیز بدست آمده است (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰، تصویر ۷، شماره ۱۰).

۲-۳) سفال با نقش کنده زیر لعاب تک‌رنگ (اسگرافیاتو): این گروه از سفالینه‌ها دارای خمیره گل رسی با آمیزه ماسه نرم هستند که از پخت کافی برخوردارند (جدول ۳، شماره‌های ۶ و ۷). لعاب سفال‌ها به رنگ آبی، لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید، سبز و زرد و شفاف هستند و نقوش تزیینی عمدتاً به صورت شیارهای کنده عمودی و افقی بر بدنه بیرونی و در موارد اندکی نیز نقوش به صورت کنده هندسی در داخل ظرف به کار رفته است. کیفیت سفال‌ها معمولی و ضخامت آنها بین هفت تا ۱۰ سانتی -

متر متغیر است. شکل و فرم ظروف با توجه به قطعات لبه و کف برجای مانده، عمدتاً کاسه و بشقاب بوده‌اند. قطعات سفالینه‌های نقش کنده زیر لعاب حاصل از کاوش ارگ، قابل تاریخ‌گذاری به دوره سلجوقی هستند و نمونه‌های مشابه از لحاظ تزئین از محوطه‌هایی مانند جیرفت نیز بدست آمده است (چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۳۷).

۴-۲) سفال با نقش برجسته زیر لعاب تک‌رنگ: در میان قطعات سفالی یافت شده از ارگ، چهار قطعه سفال با نقش افزوده وجود دارد (جدول ۳، شماره ۸). یک قطعه از این سفال با خمیره قهوه‌ای گل رُسی با آمیزه ماسه نرم وجود دارد که با نوار افزوده با تزئین فشار انگشتی روی آن زیر لعاب فیروزه‌ای مایل به سبز تزئین شده است. این قطعه با توجه به نمونه‌های مشابه قابل مقایسه سفالهای قرون سوم و چهارم هـ.ق یافت شده از محوطه عسکر مکرّم است (عطایی، ۱۳۹۵: لوح ۳۲، شماره ۴-۱) و نمونه‌های مشابه از شهر کهن جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۱)، قلعه سنگ کرمان (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۶۶، تصویر ۶ شماره ۳) و بررسی‌های میاناب شوشتر (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۳۸۸-۳۸۹، شکل ۱۱۲، شماره ۳) نیز بدست آمده است.

۵-۲) سفال منقوش روی لعاب: سفال با لعاب آبی فیروزه‌ای منقوش به نوارهای سیاه رنگ از سفال‌های شاخص دو فصل کاوش هستند (جدول ۳، شماره ۱۱) که درصد اندکی از یافته‌های فصل نخست کاوش را به خود اختصاص داده‌اند. خمیره این سفال‌ها به رنگ نخودی، آمیزه آنها ماسه نرم است که با نقوش هندسی به شکلی ناشیانه و نامنظم تزئین گردیده‌اند. ضخامت بدنه سفال‌ها حدود ۸ میلی‌متر، قطر لبه‌ها حدود ۱۲ میلی‌متر، کیفیت ساخت سفال‌ها معمولی و شیوه ساخت آنها چرخ‌ساز است. از لحاظ شیوه تزئین، سفال‌های یاد شده قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از محوطه قرق تپه سی و سامن ملایر همدان است (همتی ازندیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۱، تصویر ۱۷).

۶-۲) سفال لعاب‌دار مات پاشیده فیروزه‌ای

یکی از گونه‌های رایج در شهر قدیم دهدشت، سفال با پوشش لعاب سفید است که بدنه و کف آن با نوارها و نقوش هندسی و همچنین نقش X و Z مانند (احتمالاً علائم امضای سفالگر) با تزئین رنگ فیروزه‌ای زیر لعاب قلیایی بدنه و روی لبه آن با رنگ سیاه تزئین گردیده است (جدول ۳، شماره‌های ۳ و ۴). خمیر این سفال‌ها، که فرم آنها را بیشتر کاسه‌ها تشکیل داده‌اند، گل رس به رنگ نخودی و آمیزه آنها ماسه نرم است و از پخت کافی برخوردارند. این سفال‌ها قابل مقایسه با سفال‌های آبی و سفید تاریخ‌گذاری شده به سده‌های ششم و هفتم هجری قمری در محوطه مشکین تپه پرندک در استان مرکزی (مهجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۹، تصویر ۶) و جرجان (مرتضایی، ۱۳۸۶: ۴۵۳، تصویر ۳-۹۷) و محوطه زلف‌آباد فراهان (نعمتی، ۱۳۹۸: ۴۰) هستند. این گونه سفالی همچنین قابل مقایسه با سفال منقوش زیرلعاب موجود در موزه فیتز ویلیام به سده ششم و هفتم هـ.ق (جدول ۳، شماره ۴) است. به نظر می‌رسد که این سفال‌ها قابل تاریخ‌گذاری به تاریخی کهن‌تر از سده‌های ششم و هفتم هـ.ق باشند.

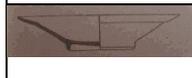
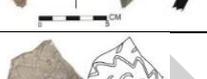
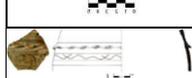
پرسمن از این سفال تحت عنوان «سفال لعابدار مات پاشیده فیروزه‌ای» نام برده است که با خمیره گلی، لعاب سفید مات و ضخیم ساخته شده و سطح آن با پاشش‌های پراکنده رنگ‌دانه اکسید مس فیروزه‌ای روشن تزیین شده است (Priestman, 2013: 561). او ضمن مقایسه این گونه سفالی با سبک سامرا، سفال‌های کوش و همچنین سیراف، منشأ آن را جنوب عراق دانسته و به سده‌های سوم و چهارم هـ.ق تاریخ‌گذاری کرده است (Priestman, 2013: 561). این تاریخ‌گذاری با برخی از یافته‌های شهر دهدشت مانند در چوبی امامزاده حمزه معصوم (ع) که به اواخر دوره آل‌بویه تاریخ‌گذاری شده است (تندرو و دیگران، ۱۳۹۹) بیشتر همخوانی و مطابقت دارد.

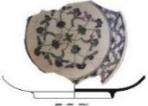
۷-۲) سفال منقوش زیرلعابی آبی و سفید: سفال‌های آبی و سفید یافت شده از ارگ تاریخی دهدشت از لحاظ رنگ و نوع نقش به چهار گروه قابل طبقه‌بندی هستند. ۱- نخستین گروه سفالینه‌های لعابدار آبی و سفید، سفالینه‌های با خمیره‌ای از جنس گل رُس با لعاب سفید هستند (جدول ۳، شماره ۱۲). این گونه سفالی قابل انتساب به تولیدات شهر کرمان بوده (راجرز، ۱۳۷۴: ۲۶۶) که با نقوش گیاهی و هندسی به رنگ آبی و آبی لاجوردی تزیین شده است. برخی از نمونه‌های این گروه از سفالینه‌ها قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از شهر تاریخی نائل (حسین‌نیا امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۶، تصویر ۲، شماره‌های ۳۶ و ۳۷) و سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۲۴۸، لوح ۴۰، طرح ۳۶) است که به سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری تاریخ‌گذاری شده‌اند. ۲- دومین گروه سفالینه‌های لعابدار آبی و سفید دهدشت، تزئین نقوش آبی رنگ روی زمینه سفید است که دورگیری آنها با خطوط سیاه و گاه آبی رنگ انجام شده، از مشخصات خاص تولیدات آبی و سفید کارگاه‌های مشهد طی دوره صفوی بوده که آنها را از نمونه‌های چینی متمایز کرده است (اکبری و صادقی طاهری، ۱۳۹۳: ۸۱). ظروفی با چنین ویژگی‌هایی طی سده‌های دهم و یازدهم هجری در کارگاه‌های کرمان نیز تولید می‌شدند (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۶۱). ۳- مشخصه سومین گروه سفال‌های آبی و سفید، خمیره کائولین و سیلیسی با لعاب سفید و رنگ آبی نقوش است. تنوع نقوش این گروه از سفال‌ها بسیار زیاد و متشکل از مناظر چینی معماری گرفته تا نقوش هندسی، گیاهی و حتی نقوش انسانی (جدول ۳، شماره ۱۱). نمونه سفال با تزیین معماری به سبک چینی از محوطه زلف‌آباد فراهان نیز گزارش شده است (نعمتی، ۱۳۹۸: ۴۳). به نظر می‌رسد این گونه سفالی از تولیدات مشهد باشد که در تزیینات‌شان از منظره‌های چینی و بودایی تقلید می‌شد (فهروری، ۱۳۸۸: ۷۵). ۴- یکی دیگر از گونه‌های سفالی ظریف آبی و سفید یافت شده از ارگ تاریخی دهدشت (۱۱) قطعه)، در میان سفال‌های یافت شده از پیت ترانشه F1 (جدول ۳، شماره‌های ۱۶-۱۴)، تکه‌های کاسه‌ها و بشقاب‌های ظریف با لعاب سفید و نقوشی به رنگ آبی مایل به خاکستری است که تولید آنها از قرن نهم هجری آغاز و در قرن دوازدهم هجری پایان یافت (مهجور، ۱۳۸۸: ۱۴۳). یکی از این قطعات سفالی با فرم بشقاب، که لبه‌ی آن با نوار قهوه‌ای رنگ مزین گردیده است (جدول ۳، شماره ۱۵)، با توجه به نمونه مشابه آن در موزه ویکتوریا و آلبرت (شماره ثبت ۱۰۰۷-۱۸۸۳) قابل تاریخ‌گذاری به

۱۶۵۰-۱۷۰۰ میلادی، یعنی دوره صفویه است. قطعه دیگر (جدول ۳، شماره ۱۵) با توجه به نمونه‌های تزیینی مشابه (فهروری،

۱۳۸۸: ۸۲)، احتمالاً از تولیدات اصفهان در دوره صفویه است.

جدول ۳: گونه‌های سفال لعابدار ساده و منقوش ارگ تاریخی دهدشت (نگارندگان ۱۴۰۳)

ردیف	مکان یافت		نوع قطعه، رنگ خمیره، آمیزه، پوشش سطحی، نوع ساخت، کیفیت پخت، تزیین	تصویر	منبع مقایسه / تاریخگذاری	تصویر قابل مقایسه
	کانتکس	ترانسه				
۱	F	۰۱۰	لبه متصل به کف، نخودی، ماسه نرم، لعاب فیروزه‌ای، چرخ‌ساز، کافی.		عطایی، ۱۳۹۵: ۲۲۸ لوحه ۲۳، شماره ۳	
۲	J	۰۰۲	لبه، نخودی، ماسه نرم، لعاب فیروزه‌ای، چرخ‌ساز، کافی، بدون تزیین		مورگان، ۱۳۸۴: ۱۸۲	
۳	F	۰۱۰	بدنه پیه سوز، سفید سیلیسی، کانی، لعاب آبی فیروزه‌ای، چرخ‌ساز.		مورگان، ۱۳۸۴: ۱۶۳	
۴	J	۰۰۲	کف، نخودی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقش فیروزه‌ای زیر لعاب		قابل مقایسه با نمونه موزه فیتز ویلیام به شماره C.681935	
۵	F	۰۰۱	لبه، نخودی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقش فیروزه‌ای زیر لعاب			
۶	F7	۰۰۱	کف، نخودی، ماسه نرم، لعاب شفاف، چرخ‌ساز، کافی، نقش کنده زیر لعاب		کیانی، ۱۳۵۷: تصویر ۷۷	
۷	F	۰۰۲	لبه، نخودی، لعاب سبز، چرخ‌ساز، کافی، نقش کنده زیر لعاب		امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۶۶ تصویر ۶، شماره ۱۱	
۸	J	۰۰۲	بدنه، نخودی، ماسه نرم، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقش کنده روی نوار برجسته زیر لعاب		چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۳۷	
۹	F	۰۰۱	بدنه، قهوه‌ای، لعاب سبز مایل به فیروزه-ای، چرخ‌ساز، کافی، نقش افزوده طنابی		عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۳۲ شماره ۴-۱	
۱۰	B	۰۰۱	لبه، نخودی، ماسه نرم، کافی، لعاب فیروزه‌ای، چرخ‌ساز، کافی، سیلوئت		امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰ تصویر ۷، شماره ۱۰	
۱۱	J	۰۰۲	لبه، نخودی، لعاب آبی مایل به فیروزه‌ای، ماسه نرم، چرخ‌ساز، کافی، نقاشی سیاه روی لعاب		همتی ازندیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۱ تصویر ۱۷	
۱۲	D	۰۰۱	کف، سفید کائولین، کانی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقوش آبی رنگ سبک چینی		نعمتی، ۱۳۹۸: ۴۳ تصویر ۱۰	
۱۳	J	۰۰۲	کف، نخودی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، پخت کافی، نقوش آبی رنگ		نعمتی، ۱۳۹۸: ۳۹ لوح ۱۲	

	موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره C.294B- 19331		لبه، سفید کائولین، کانی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقش آبی و سیاه زیرلعاب	B	۰۰۱	۱۴
	موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره ۱۹۱۰-۲۰۳۹: تاریخ دسترسی (۱۴۰۱)		کف، سفید کائولین، کانی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقوش هندسی خاکستری مایل به آبی	F1	۰۱۰	۱۵
	موزه ویکتوریا و آلبرت، شماره ۱۱۰۷-۱۸۸۳		کف، سفید کائولین، کانی، لعاب سفید، چرخ‌ساز، کافی، نقوش هندسی خاکستری مایل به آبی و نوار قهوه‌ای روی لبه	F1	۰۱۰	۱۶

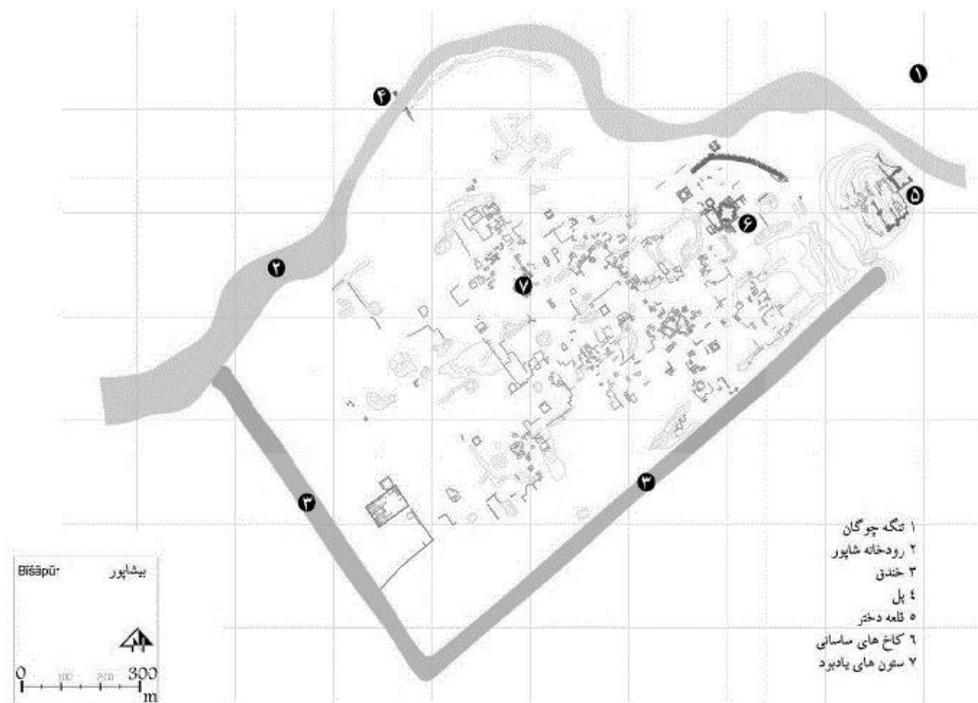
بحث و تحلیل

بر اساس متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی یافت شده از دو فصل کاوش ارگ تاریخی به‌عنوان شاخص‌ترین اثر معماری شهر دهدشت و همچنین نتایج پژوهش‌های انجام شده پیشین، پیشینه حیات این شهر از زمان شکل‌گیری تا دوران فروپاشی آن در چهار برهه زمانی قابل مطالعه و بررسی است:

۱) دوره ساسانی

ناحیه بلادشاپور در دوره ساسانی از اهمیت زیادی برای حاکمان برخوردار بوده است و دوره ساسانی نقطه عطف تاریخ این منطقه در تاریخ ایران باستان به شمار می‌آید. بنا به روایت کارنامه‌ی اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴م)، مادر سردودمان سلسله ساسانیان یعنی اردشیر بابکان، از خاندان بازرنگی در بخش‌های شمال‌غربی فارس و در شرق بلادشاپور (زیستگاه کوچ‌نشینان کوه‌گیلویه و بلادشاپور در شهرستان بویراحمد امروزی) دانسته‌اند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ۵۸۰). شاید یکی از دلایل اصلی توجه شاپور ساسانی به عمران و آبادی و بنای شهرها در منطقه‌ی بلادشاپور، وابستگی و تعلق خاطر به سرزمین اجداد مادری ساسانیان بوده باشد. نخستین بار در عصر صفویه، صاحب «ریاض الفردوس» بنیاد شهر دهدشت را به همراه شهرهای ارجان، زیدان و ماهی‌روان (مهروبان) در کوه‌گیلویه را به شاپور اول ساسانی نسبت داده است که پس از بازگشت از نصیبین در فصل بهار در موضع بلادشاپور طرح آنها را در انداخت و بعد از اندک زمانی، استادان بنا، شهرها را در کمال خوبی به اتمام رساندند (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۹۸-۹۹). تعداد اندکی سفال از دوره ساسانی در کاوش‌های باستان‌شناختی شهر به دست آمده است. قطعات سفالی یافت شده از دوره ساسانی از ارگ تاریخی (جدول ۲ شماره‌های ۴-۱) نشان می‌دهد که می‌توان دوره نخست تاریخ شکل‌گیری ارگ را با توجه به بقایای معماری مربوط به دوره اول معماری در این پژوهش همزمان با دوره ساسانی دانست. از سوی دیگر، نزدیک‌ترین نمونه به شهر دهدشت، که ارگ بیرون از فضاهای شهری قرار گرفته، شهر بیشاپور است (تصویر ۷) که ارگ حکومتی به‌عنوان کانون اصلی شهر و مقر درباریان، در شمال شرقی شهر، در بلندی دامنه کوه شاپور قرار گرفته و بوسیله حصاری از گل و

سنگ به طول ۵۴۴۰ متر، از قسمت اصلی سکوتی شهر، تفکیک شده است (سرفراز و تیموری، ۱۳۸۶: ۹۸). این در صورتی است که ساخت ارگ مربوط به دوره ساسانی باشد.



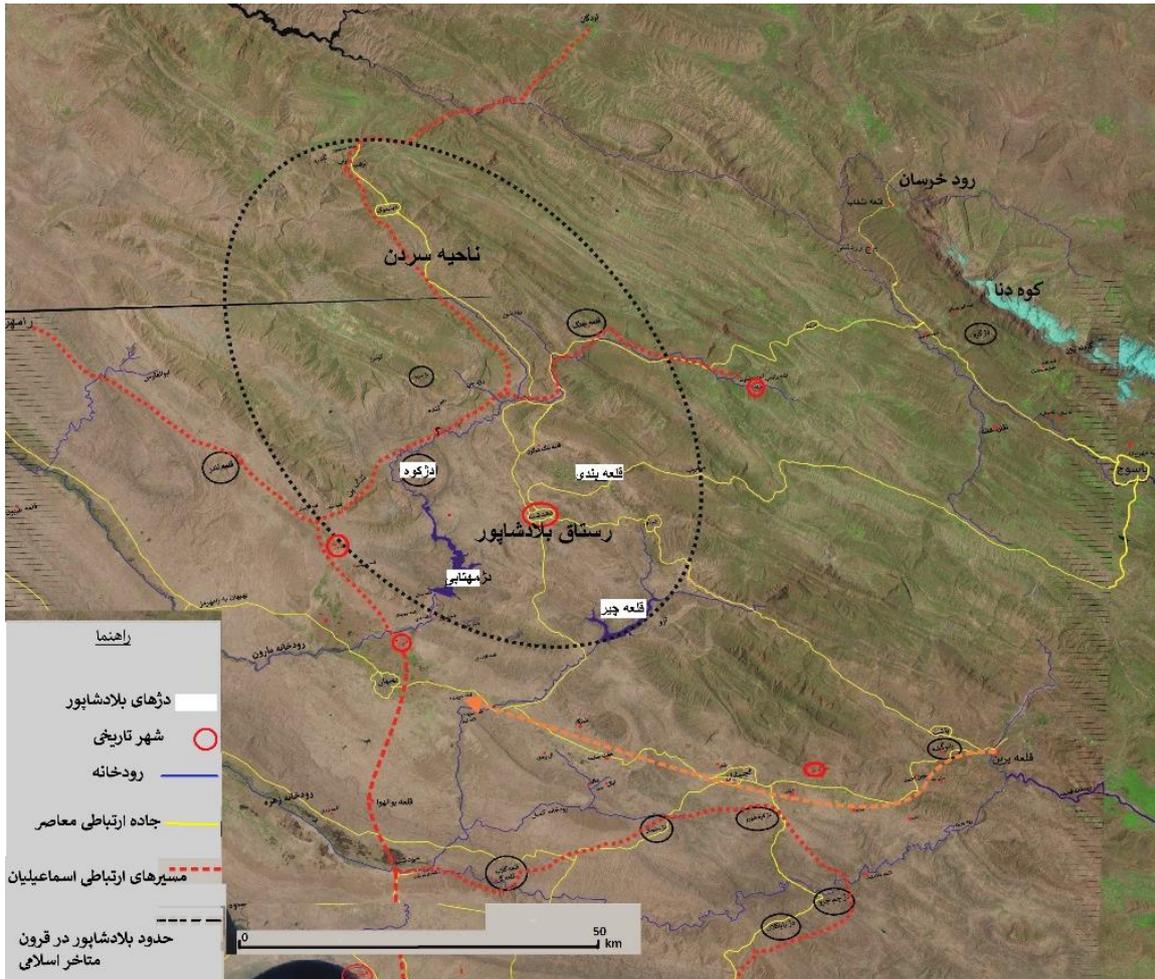
تصویر ۷: نقشه شهر بیشاپور و موقعیت قلعه دختر (شاه محمدپور سلمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

۲) سده‌های نخستین اسلامی (سده نخست هق تا پایان دوره آل بویه): در اواخر سده دوم هق، تاریخ سیاسی و اجتماعی بخش شمالی کوره آرجان (منطقه کوهستانی بلادشاپور) با حضور گردان یا کوچ‌روان این منطقه به رهبری گیلویه حاکم مقتدر ناحیه کوهستانی کوه‌گیلویه ارتباط دارد که از خمیگاه سفلی نزد سلمه آمد و در دستگاه او قدر و منزلت پیدا کرد و پس از مرگ او توانست زمام امور را به دست گرفت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۲۶). گیلویه در جنگ با آل ابی‌دلف، ضمن کشتن معقل بن عیسی، در جنگ با آنها جان خود را از دست داد. پس از وی، فرزندانش خالد، حسن و نواده‌اش محمد، ضمن تلاش برای حفظ موقعیت خود و خانواده، با حضور در دستگاه خلافت عباسی، نقش مهمی در مسایل سیاسی و اجتماعی آن عصر ایفا داشتند (سیاهپور، ۱۳۹۱). بررسی‌های باستان‌شناختی دژهای دفاعی رستاق تاریخی بلادشاپور در چهار سوی شهر دهدشت نشان داده است که طی سده‌های سوم تا پنجم هق ناحیه یاد شده از جایگاه ژئوپولیتیکی مهمی برخوردار بوده است (سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱). اگر این رستاق را به‌عنوان یک ناحیه زراعی و دهدشت کنونی را جایگاه یک دهقان بدانیم، مسلماً ارگ تاریخی دهدشت، حاکم‌نشین این رستاق بوده که اداره ناحیه را بر عهده داشته است. در این دوره اشاره روشنی به شهر دهدشت در متون تاریخی نگردیده است. با توجه به قرارگیری این شهر بر مسیر راه ارتباطی آرجان به اصفهان، می‌توان دومین منزلگاه را این شهر دانست که مقدسی از آن با نام «قریه» یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۷۳). احتمالاً با توجه به تشکیل نام دهدشت از

دوجزء «ده» و «دشت» و قرارگیری قریه در دشت امروزی، به قریه الدشت و سپس دهدشت تغییر نام داده است. بنابراین تا حدودی می‌توان پیشینه اشاره به این شهر را در متون سده چهارم هـ ق جستجو نمود. مطالعه عناصر تزئینی و کتیبه‌های در چوبی امامزاده حمزه دهدشت (تصویر ۸) نشان داد این در چوبی، در اواخر دوره آل بویه و به فرمان آخرین حکمران آل بویه در منطقه فارس (ابومنصور فولادستون پسر ابوکالینجار)، بین سالهای ۴۴۰ تا ۴۴۸ هـ ق ساخته شده است و بر روی آن کتیبه‌هایی با مضامین شیعی در چهار قاب به کار رفته است (تندرو و دیگران، ۱۳۹۹). طی دو فصل کاوش آرگ، گونه‌های معدودی از سفالهای این دوران یافت شد که می‌توان به سفال قهوه‌ای با پوشش گلی نخودی رنگ، سفال نخودی با نقش کنده، سفال لعاب‌دار مات پاشیده فیروزه‌ای و سفال منقوش شبه پیش از تاریخ اشاره کرد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً همزمان با دوران حیات دژهای دفاعی پیرامون دشت دهدشت در مرکز رستاق تاریخی بلادشاپور (سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱؛ تصویر ۹)، ارگ دهدشت نیز مقر سیاسی حاکم منطقه بوده است.



تصویر ۸: در چوبی امامزاده حمزه دهدشت از دوره آل بویه در موزه ملی ایران (تندرو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸)



تصویر ۹: دزهای دفاعی چهارگانه بلادشاپور بر روی تصویر ماهواره‌ای لندست ۲۰۲۰ (سپیدنامه و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹)

۳) سده‌های میانه اسلامی: بنای شاخص سده‌های میانه اسلامی در شهر قدیم دهدشت، بنای امامزاده پیرغازی با گنبد مضرس و تزئین مقرنس لانه‌زنبوری گچی است (سپیدنامه و صالحی کاخکی، ۱۳۹۳: ۴۶). شواهد باستان‌شناختی مرتبط با حیات دهدشت در دوران سلجوقی و ایلخانی یافت شده از ارگ تاریخی شهر شامل سفال فیروزه‌ای قلم مشکی، سفال منقوش با نقش افزوده زیرلعاب، سفال منقوش شبه پیش از تاریخی و گونه‌های اولیه آبی و سفید است. تحولات تاریخی هم‌زمان با دوره ایلخانی به حضور و قدرت یافتن اتابکان لر بزرگ (حک ۸۲۷-۵۵۰ هـ.ق) ارتباط دارد که حکومت خود را به زمامداری ابوطاهر به مدت دو سال با شکست و بیرون راندن شولان از کهگیلویه آغاز نمودند (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۲۳۸). ضرب سکه از مهم‌ترین مدارک باستان‌شناختی اهمیت مراکز سیاسی - اداری یک منطقه است و وجود ضرب‌خانه کوه‌گیلویه با کشف سکه‌ای به تاریخ ۷۵۷ هـ.ق از این دوره یعنی دوره اتابکان لرستان (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱)، نشان می‌دهد دهدشت به‌عنوان مرکز اداری سیاسی کوه-گیلویه باید از اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی برخوردار بوده باشد. اگر چه منابع تاریخی در خصوص این جایگاه سکوت نموده‌اند. از آثار معماری دهدشت در سده‌های میانه دوران اسلامی می‌توان به آرامگاه پیرغازی یاد کرد که مقرنس‌کاری گچی زیرگنبد و سطح

بیرونی پلکانی آن قابل تاریخگذاری به دوره اتابکان لرستان (۵۵۰-۸۲۷ ه.ق) است (تصاویر ۱۱-۱۰) و بر سطح چوبی در این بنای آرامگاهی نیز به خط ثلث تاریخ ۷۰۶ ه.ق. نقر گشته بود (موسوی نژاد سوق، ۱۳۸۵: ۲۵۶).



تصویر ۱۱: مقرنس کاری زیر گنبد امامزاده پیرغازی



تصویر ۱۰: نمای بیرونی امامزاده پیرغازی؛ دید از شمال شرق

۴) سده‌های متأخر اسلامی: با وجود آن که نام «دهدشت» در منابع تاریخی پیش از صفویه دیده نمی‌شود، نام «کوه‌گیلویه» بر روی سکه‌های سورشازر دوره ترکمانان آق‌قویونلو، مانند سکه‌های اوزون حسن با شعار شیعی «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» و سکه‌های یعقوب آق‌قویونلو به تاریخ ۸۹۱ ه.ق (تصویر ۱۲) با شعار «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره» نشان-دهنده فعالیت ضرابخانه این منطقه و اهمیت مرکزیت سیاسی و اداری این شهر در جنوب غربی ایران پیش از به حکومت رسیدن صفویان است (رایگانی، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۱۹؛ مسعودی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴۴). قاعدتاً مکان این ضرابخانه باید در مرکز اداری-سیاسی کهگیلویه در شهر دهدشت به‌عنوان حاکم‌نشین و مقر فرماندهی (حسینی منشی، ۱۳۸۵؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۹) بوده باشد.

با تاسیس دولت صفوی کشور به ایالت‌های متعددی تقسیم شد که از جمله این ایالات، کوه‌گیلویه به مرکزیت دهدشت بود که به جای ایالت ارجان سابق، در ناحیه بهبهان امروزی شکل گرفت. شکل‌گیری ایالت مستقل کوه‌گیلویه به نوبه‌ی خود باعث توسعه و پیشرفت شهر دهدشت در ناحیه بلادشاپور شد (روشنفکر، ۱۳۸۰: ۲۸). با توجه به اینکه صاحبان اصلی قدرت در دولت صفوی ترکان قزلباش بودند، از همان ابتدای تاسیس دولت صفوی اداره این ایالت به آنان واگذار شد و سران این ایل تا ۱۰۰۵ ه.ق زمام امور را در دست گرفتند (برای مطالعه تاریخ سیاسی بلادشاپور و کوه‌گیلویه در دوره صفویه بنگرید به تقوی مقدم، ۱۳۷۷: ۴۹؛ زکی‌پور، ۱۳۸۹). شورش قلندرشاه یا شاه اسماعیل دروغین در سالهای ۹۹۲-۹۸۶ ه.ق (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۷)، یورش افغانان به کهگیلویه و شهر دهدشت در سال ۱۱۳۵ ه.ق، شورش صفی میرزا در ۱۱۴۰ ه.ق (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۴۴۳؛ جزایری شوشتری، ۱۳۸۷: ۴۷۸) و هجوم الوار چهاربندیچه کهگیلویه به شهر و غارت آن در سال

۱۲۰۰ هـ ق در دوره زندیه از مهمترین علل فروپاشی رونق اقتصادی و از دست دادن مرکزیت سیاسی- اداری این شهر بوده است. صاحب فارسنامه ناصری در دوره قاجار راجع به اهمیت شهر دهدشت و مبادلات فرمانطقه‌ای آن در دوره صفویه می‌نویسد: «در عصر صفویه با توجه به اینکه این شهر در میانه راه ارتباطی شهرهای شیراز، اصفهان با ارجان، بهبهان، شوشتر و بندری چون مهربان و جنبه (گناوه) در حاشیه خلیج فارس قرار داشته کاروان‌ها متاع هندوستان و فرنگستان را وارد دهدشت کرده، برای تجارت حمل اطراف می‌نمودند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۸۸). این مسیر ارتباطی بنادر ساحلی خلیج فارس و ارجان به اصفهان از سده‌های آغازین اسلامی تا پایان دوره سلجوقی از اهمیت برخوردار بوده است و زنجیره کاروان‌سراها، پل‌ها راه‌های سنگ‌فرش و قلاع دیده‌بانی راه‌ها (سپیدنامه، ۱۴۰۰) نشان‌دهنده نقش این مسیر در توسعه پایدار اقتصادی بلادشاپور و تعاملات اقتصادی با نواحی دیگر است. حسینی فسایی راجع به فروپاشی تجارت در دهدشت پس از عصر صفویه می‌نویسد: «در زمان آشفتگی سلسله سلاطین زندیه، الوار چهاربنیچه کوه گیلویه، این قصبه معمور را غارت کرده، اهالی آن را متفرق نمودند و برای آنکه در شهرها معامله و داد و ستد داشتند هر کس به مناسبت در شهری قرار گرفت» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۸۸).

از جمله وقایع مرتبط با بنای ارگ تاریخی دهدشت، می‌توان به بنا نهادن قلعه در نهایت استحکام به دست قلندر(اسماعیل میرزا دروغین) در سال ۹۹۱ هـ ق (شاملو، ۱۳۷۵/ج ۱: ۱۱۱-۱۱۰؛ اسکندر منشی، ۱۳۹۰/ج ۱: ۲۰۰) و فروافتادن بخشی از دیوار قلعه پس از باران عظیمی، که پیش از شکست قلندر از جنگجویان افشار و امت‌خان بیلگریگی اتفاق افتاد(اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳/ج ۲: ۸۷۲) اشاره کرد. صاحب ریاض‌الفردوس از تعمیر قلعه دهدشت و مستحکم سازی آن، پس از کشته شدن خلیل‌خان افشار، پیش از رویارویی قشون اسکندرخان افشار، برادر زاده خلیل‌خان و امت‌خان ذوالقدر یاد می‌کند (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۱۸) که سرانجام قشون یاد شده، از اطراف نردبانها بر دیوار قلعه نهاده، داخل قلعه شدند. با پیدا نکردن قلندر، بنایی را که عمارات قلندر ساخته بود، آوردند، و او با نشان دادن خانه زیرزمینی، قلندر را یافتند و کشتند (همان، ۴۲۰). بنابراین، براساس منابع تاریخی دوره صفویه و قاجار، قلعه یا ارگ دهدشت در نهایت استحکام مرمت گردید و دوم اینکه بخشی از دیوار در این دوره فرو افتاد (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳/ج ۲: ۸۷۲). براساس شواهد باستان‌شناختی، در ترانسه F1، بخشی از دیوار به صورت کامل تا پی آن تخریب شده بود ولی هیچ گونه اثری تا شعاع نیم متری از آن دیده نشد. کاوش در ترانسه F4 این بخش را به طور کامل آشکار ساخت. با توجه به منابع تاریخی(اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳/ج ۲: ۸۷۲)، این بخش احتمالاً همان قسمتی باشد که در جنگ اسکندرخان افشار و قلندر در اثر بارش شدید باران و عوامل دیگر، که به خوبی از ساختار بنا اطلاع نداریم، فرو افتاد.



تصویر ۱۲: سکه سلطان یعقوب آق قویونلو یافت شده از امامزاده پیرغازی دهدشت (جاوید، ۱۳۹۸: ۴۷)

در دوره نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ.ق) محمدخان گشتاسبی، هنگامی که به کلانتری ناحیه‌ی بلادشاپور و دهدشت و ضابطی تمام طوایف چهاربنیچه‌ی جاک‌ی رسید، خانه‌ای باشکوه در دهدشت بنا نمود و سال‌ها با بزرگی و حشمت گذرانید (باور، ۱۳۹۲: ۱۵۸). با چنین وضعی، قاعدتاً شهر دهدشت بار دیگر پس از دوره صفویه مسکون گردیده است، زیرا لازمه اعمال قدرت او همانند دیگر خوانین و سکونت او در این شهر، حضور مستحفظان، سواران جنگی و رعابای نزدیک به او بوده است. در دوران قاجار، خصوصاً عصر فتحعلی‌شاه و محمد شاه تلاش‌هایی جهت آباد نمودن دهدشت صورت گرفته است. در سال ۱۲۸۱ هـ.ق که حکومت به احتشام‌الدوله سلطان مراد میرزا قرار گرفت، با اهتمام او تا ۱۲۸۵ هـ.ق نزدیک پانصد خانوار در دهدشت ساکن شدند و بنای تجارت را گذاشتند و چندین کاروان متاع به اصفهان رسانیدند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸). اما حسینی فسایی در خصوص زیست‌بوم و اقتصاد منطقه کهگیلویه (به مرکزیت دهدشت) و ارتباطات تجاری آن با مناطق دیگر می‌نویسد: «و در ناحیه رون درخت دانه محلب (نوعی درخت زینتی و داروئی) که از بادام کوهی خردتر و ریزتر و مغزی خوشبو دارد فراوان است و از آن خروارها بار هندوستان کنند» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۶۹). دمورینی نیز از بادام وحشی؛ میوه‌ای که اهمیت تجاری ویژه‌ای دارد و به هندوستان صادر می‌شود، سخن به میان آورده است (دمورینی، ۱۳۷۵: ۳۹). در سال ۱۲۹۱ هـ.ق که احتشام‌الدوله مجدداً به حکومت کوه‌گیلویه و بهبهان منصوب شد، قصبه دهدشت را ویران دید، اهتمام در آبادی آن کرد (همان). این نشان می‌دهد که پس از غارت شهر دهدشت در سال ۱۲۰۰ هـ.ق، دست کم یک بار دیگر این شهر بوسیله کوچ‌نشینان منطقه غارت و متروک گردیده است.

نتیجه گیری

با پایان دو فصل کاوش و پی‌گردی در بخش بیرونی برج‌ها و باروی ارگ، مشخص شد شکل‌گیری ارگ دست کم به سده‌های نخستین اسلامی برمی‌گردد و در طی این مدت، دست کم سه دوره تخریب و مجدداً بازسازی شده است. این مهم را می‌توان بر پایه شواهد باستان‌شناختی مانند بقایای معماری، یافته‌های منقول مانند سفال و هم‌سنجی آنها با منابع مکتوب تاریخی در خصوص شهر دهدشت و رستاق تاریخی آن (بلادشاپور) مورد بررسی و مطالعه قرار داد. یافته‌های باستان‌شناختی از دوران پیش از اسلام محدود به چهار قطعه سفال قرمز و خاکستری ظریف است، بنابراین نمی‌توان با قاطعیت شکل‌گیری ارگ را به دوران پیش از اسلام نسبت داد و باید در انتظار نتایج کاوش‌های فصول آینده بود. با وجود این، قدیمی‌ترین قطعه سفال‌های یافت شده دوران اسلامی را می‌توان به قرون سوم و چهارم هـ.ق نسبت داد (سفال منقوش شبه پیش از تاریخی، سفال نخودی با نقش کنده، و سفال با پوشش گلی نخودی ساده). این دوره هم‌زمان است با شکل‌گیری دژهای دفاعی پیرامون دشت دهدشت و حاکمیت گیلویه و نوادگان او بر رستاق بلادشاپور، که شهر و ارگ دهدشت در قلب آن رستاق قرار گرفته است. دومین دوره که بر اساس گونه‌های سفالی می‌توان به آن پی برد، قرون میانه اسلامی یعنی دوران سلجوقی - ایلخانی است که سفال‌های فیروزه قلم مشکی، سفال با نقش برجسته زیر لعاب، سفال با نقش کنده زیر لعاب و نمونه‌های اولیه آبی - سفید قابل انتساب به این دوره است. سفال‌های آبی - سفید، شاخص سومین دوره یعنی دوران صفویه تا قاجار است که ما به روشنی از تحولات این دوره براساس منابع مکتوب تاریخی مانند «ریاض‌الفردوس خانی» به خوبی آگاهی داریم. با توجه به سیر تاریخی ساخت و بازسازی ارگ، احتمالاً این بنا در آغاز مکان یک دهقان یا حاکم رستاق بلادشاپور بوده است و قرارگیری دژهای دفاعی پیرامون دشت دهدشت و قلاع راهداری دیگر، نشانگر وابستگی امنیتی و دفاعی آنها به ارگ بوده است. عامل اصلی سقوط دهدشت و شورش‌های تاثیرگذار بر نامنی شهر در دوره صفویه و پس از آن، بی‌توجهی به دژهای دفاعی یاد شده است که طی سده‌های سوم تا ششم قمری مسکون بوده‌اند؛ دژهایی که احتمالاً در دوران حاکمیت گیلویه و نوادگان او در این پهنه‌ی کوهستانی بنا نهاده شده بودند. شواهد باستان‌شناختی همچون سفال‌های یافت شده از ارگ شهر دهدشت نشان می‌دهد این شهر مبادلات فرامنطقه‌ای با مناطق مختلف ایران (که مبدأ برخی از گونه‌های سفالی آبی و سفید شهرهای مشهد و کرمان بوده است) و همچنین کشورهای دوردست مانند چین، هند و اروپا (گونه‌های سفالی آبی و سفید کشور چین و صادرات دانه محلب و بادام به هندوستان) بوده است. به استناد به فارسنامه ناصری، شهر دهدشت در عصر صفویه از کانون‌های پخش کالاهای وارداتی از هندوستان و فرنگستان (اروپا) به منطقه پیرامونی دهدشت و احتمالاً مناطق دیگر ایران بوده است، اما صاحب فارسنامه در خصوص واردات کالا از چین یا صادرات به این کشور اشاره‌ای نکرده است. انتظار می‌رود با ادامه پژوهش و کاوش در ارگ تاریخی شهر دهدشت، آگاهی‌های ارزشمندتری از دوران حیات شهر دهدشت حاصل گردد.

- آزادی، احمد، (۱۳۸۷). گزارش فصل اول بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کهگیلویه، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- استرآبادی، محمدمهدی، (۱۳۷۷)، تاریخ جهانگشای نادری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسکندر منشی، (۱۳۹۰). تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱ و ۲، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل، (۱۳۸۹). ارتباط تجاری بنادر باستانی شمالی و جنوبی خلیج فارس در دوره اسلامی تا قرن ۵ هجری قمری. دانشگاه تهران: رساله دکتری باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد، (۱۳۶۸). مسالک و ممالک. ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری. به اهتمام ایرج افشار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، (۱۳۶۷). مرآة البلدان. تهران: دانشگاه تهران.
- افوخته نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، (۱۳۷۳). نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، عباس و صادقی طاهری، علی، (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی سفال‌های کرمان و مشهد در دوره صفوی و میزان تاثیر آنها از هنر چینی»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۹، ۸۷-۷۵.
- امیرحاجلو، سعید، و صدیقیان، حسین، (۱۳۹۹). «مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه قلعه سنگ؛ شهر قدیم سیرجان» مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۵، دوره دهم، ۱۸۰-۱۵۵.
- باور، محمود (۱۳۹۲). کهگیلویه و ایلات آن. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- پاکباز، داود؛ حسن کریمیان، (۱۴۰۳). «شکل‌گیری، توسعه و اضمحلال شهر تاریخی دهدشت»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۸، شماره ۲۹، ۱۸۷-۱۵۳.
- تندرو، مهسا؛ خزایی، محمد؛ احمدپناه، سید ابوتراب، (۱۳۹۹). «پیشینه و شاخصه‌های بصری تزیینات در چوبی امامزاده حمزه دهدشت آل بویه محفوظ در موزه ملی ایران»، فصلنامه هنر اسلامی، شماره ۴۰.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۴)، فن و هنر سفالگری، تهران: سمت.
- جاوید، سمانه، (۱۳۹۸). مطالعه و بررسی سکه‌های مکشوفه از شهر تاریخی دهدشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان. منتشر نشده.
- جزایری شوشتری عبدالله بن سید نورالدین، (۱۳۸۷). تذکره شوشتری. اهواز: نشر تروا.
- جعفری زند، علیرضا، (۱۳۸۹). گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش تپه اشرف اصفهان. اصفهان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- چوبک، حمیده، (۱۳۹۱). «سفالینه‌های دوران اسلامی - شهر کهن جیرفت»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، شماره پیاپی ۵، ۱۱۲-۸۳.

حسین نیا امیرکلایی، هانیه؛ موسوی حاجی، سیدرسول؛ عطایی، مرتضی؛ مهاجری نژاد، عبدالرضا، (۱۳۹۹). «مطالعه نمونه‌های سفالین دوران اسلامی شهر تاریخی ناتل». مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۱۴، ۸۵-۹۹.

حسینی‌فسایی، سید حسن، (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر.

حسینی‌منشی، محمدمیرک، (۱۳۸۵). ریاض‌الفردوس خانی، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

دمورینی، ژرژ، (۱۳۷۵). عشایر فارس. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

راجرز، ام، (۱۳۷۴). سفالگری، از مجموعه هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر فرزانه روز.

رایگانی، ابراهیم‌ف (۱۳۹۶). باستان‌شناسی مجموعه بافت تاریخی دهدشت، تهران: رازنهان.

رجبی، نوروز، (۱۳۹۴). «یافته‌های باستان‌شناسی فصل دوم کاوش محوطه مادآباد الف- مرودشت»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۹، دوره پنجم، ۱۹۴-۱۷۵.

روشنفکر، محمدمهدی؛ معینی رودبالی، رضا (۱۳۹۹). «تحلیل نقش سیاسی نظامی کهگیلویه در عصر صفوی»، مجله پژوهش‌های تاریخ محلی ایران، شماره پیاپی ۱۶، ۹۲-۷۷.

زکی‌پور، نعمت‌الله، (۱۳۸۹). بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کهگیلویه از آغاز دوره صفویه تا پایان زندیه (۱۲۲۹-۹۰۷ هـ.ق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، (منتشر نشده).

سپیدنامه، حسین (۱۴۰۰). بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلاع و استحکامات کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان دوره سلجوقی از منظر جغرافیای اداری (با تأکید بر قلاع کوه‌گیلویه)، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، منتشر نشده.

سپیدنامه، حسین؛ صالحی کاخکی، احمد؛ حسینی، هاشم؛ رایگانی، ابراهیم، (۱۳۹۹). «مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع و دژهای دفاعی کوره ارجان». مجله مطالعات تاریخی جنگ، شماره پیاپی ۱۱، ۱۱۴-۷۹.

سپیدنامه، حسین؛ صالحی کاخکی، احمد؛ حسینی، هاشم؛ رایگانی، ابراهیم، (۱۴۰۱). «قلاع و دژهای دفاعی رستاق بلادشاپور از منظر جغرافیای سیاسی- اداری». فصلنامه اثر، دوره ۴۳، شماره ۱، ۶۳-۴۳.

سرفراز، علی‌اکبر؛ تیموری، محمود، (۱۳۸۶). «سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور»، مجله باغ نظر، سال چهارم، شماره هشتم، ۱۰۲-۹۱.

سلیمانی، شهربانو، (۱۳۸۵). «توصیف و طبقه‌بندی سفال‌های اسلامی میاناب»، بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.

سیاهپور، کشاور، (۱۳۹۱). «خاندان گیلویه و نقش سیاسی و اجتماعی آنان در عصر عباسیان (سده‌های دوم و سوم هجری)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، شماره دوم، ۱۰۳-۸۳.

شاملو، ولی قلی بن داوود قلی، (۱۳۷۵). قصص‌الخاقانی، تصحیح سید حسن سیدناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شاه محمدپور سلمانی، علیرضا، (۱۳۹۳). «الگوی طراحی شهری بیشاپور»، مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۶، ۱۲۴-۱۰۷.

صدرایی، علی، (۱۳۸۶). «بررسی محوطه کاسه‌گران به عنوان یک مرکز صنعتی عصر اسماعیلیه در منطقه الموت» گزارش‌های باستان‌شناسی (۶) «ویژه دوران اسلامی»، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۸۸-۱۰۰.

صدیقیان، حسین؛ غلامی، حسین، (۱۳۹۱). «سفالهای منقوش بدون لعاب (شبه پیش از تاریخ) ایران»، مجله پژوهش‌های باستان-شناسی مدرس، سال سوم و چهارم، شماره ششم و هفتم، ۱۴۲-۱۳۴.

صدیقیان، حسین؛ مهجور، فیروز، (۱۳۸۸). «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه مشکین‌تپه پزندک در استان مرکزی». پیام باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱۲، ۱۲۰-۱۰۵.

طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

طهماسبی، ملیحه و موسوی، مصطفی، (۱۳۹۱). «مطالعات باستان‌شناختی امامزاده جابر دهدشت بر اساس یافته‌های سفالین»، مجموعه چکیده مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند: دانشگاه بیرجند، ۲۵۱.

عزیزی، اکبر (۱۳۹۰). «معرفی سفال هخامنشی دشت زیدون شهرستان بهبهان براساس بررسی روشمند تپه شاه سلمان». پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه هنر (منتشر نشده).

عطایی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی روشمند باستان‌شناختی شهر تاریخی عسکر مکرّم- خوزستان، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی گرایش دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).

علاءالدینی، بهرام، (۱۳۹۶). سکه‌های ایران از اواخر ایلخانان تا دوره استیلای دوره تیمور گورکان، تهران: انتشارات برگ‌نگار.

علیزاده، عباس؛ احمدزاده، لقمان؛ امیدفر، مهدی، (۱۳۹۵). سیستم‌های استقرار و فرهنگ‌های باستانی دشت رامهرمز، جنوب غربی ایران (نتایج کاوش در تل گسر و بررسی منطقه‌ای رامهرمز)، ترجمه ماندانا کرامی و رامین یشمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

غلامی، خدیجه؛ محمدی‌فر، یعقوب؛ عسکری چاوردی، علیرضا (۱۴۰۱)، «بررسی روشمند محوطه قلعه کلرخ در دشت پس‌کرانه‌ای علامرودشت»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳۲، ۱۸۸-۱۶۳.

فهروری، گزا (۱۳۸۸)، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.

قزلباش، ابراهیم و پرویز، احمد، (۱۳۹۲). «بررسی زیست‌گاه‌های دوره اسلامی در ارتفاعات زاگرس جنوبی، مطالعه موردی: محوطه کمبوس بناری کهگیلویه»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۲۸-۱۱۳.

کیانی، محمدیوسف، (۱۳۵۷). بررسی سفالینه‌های ایرانی مجموعه نخست‌وزیری، تهران: انتشارات مجموعه نخست‌وزیری.

گاوبه، هانیس، (۱۳۵۹). ارجان و کوه گیلویه، ترجمه سعید فرهودی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

لباف خانیکی، میثم، (۱۳۸۷). «سفال‌های ساسانی شمال شرق ایران (طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل بر اساس ویژگی‌های شکلی)». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴-۱۸۶، ۱۷۷-۱۴۳.

مرتضایی، محمد، (۱۳۸۶). مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

مسعودی‌نیا، ذبیح‌الله؛ صالحی‌کاخکی، احمد؛ حسینی، هاشم، (۱۴۰۰). «معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون میانه اسلامی». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۵ (۱۶): ۱۵۸-۱۳۷.

مقدسی، محمد ابن احمد، (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.

مورگان، پیتر، (۱۳۸۴) «سفال خمیر سنگی ایرانی دوران سلجوقی، انواع و تکنیک‌ها»، سفال اسلامی، گردآوری ناصر خلیلی، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۷-۱۸۵.

موسوی حاجی، سید رسول؛ مهرآفرین، رضا؛ عطایی، مرتضی، (۱۳۹۸). «سفال دوران اسلامی سیستان»، شهر سوخته: هنر و باستان‌شناسی حوزه دلتای رودخانه هیرمند از آغاز تا دوره تیموری، به کوشش سید منصور سیدسجادی، تهران: فرهنگستان هنر.

موسوی حاجی، سید رسول؛ عطایی، مرتضی، (۱۳۸۹)، مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.

موسوی نژاد سوق، سید علی، (۱۳۸۵). ستارگان پراکنده اسلام زمین، قم: کومه.

نعمتی، محمدرضا، (۱۳۹۸)، «مطالعه سفال‌های آبی و سفید محوطه زلف‌آباد فراهان». مجله باستان‌شناسی، سال ۳، شماره ۳، ۶۳-۳۰.

ویتکمب، دونالد، (۱۳۸۲). «سفال‌های پیش از تاریخی دروغین از جنوب ایران»، مجله باستان‌پژوهی، شماره ۱۱، ۸۴-۹۵.

همت‌ا زندریانی، اسماعیل؛ خاکسار، علی؛ محمد شعبانی (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره اسلامی مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۳، ۲۰۶-۱۸۹.

Harrison, J.V.(1936), "Kuhgilu: South-West Iran", *The Geographical Journal*, Vol. 88, pp. 20-36.

Kennet, Derek (2004). *Sasanian and Islamic pottery from Ras al-Khaimah: Classification, chronology, and Analysis of Trade in the Western Indian Ocean*. Oxford: Archaeopress. Society for Arabian Studies Monographs.

Stein, A.(1938). "An Archaeological Journey in Western Iran", *The Geographical Journal*, Vol. 92, No. 3, pp. 313-342.

Sumner, W., & Whitcomb, D. (1999). "Islamic Settlement and Chronology in Fars: An Archaeological Perspective", *Iranica Antiqua*, Vol. XXXIV, PP. 310-324.

Priestman, S.M.N.(2013). *A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400 – 1275*, Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, University of Southampton.

وب سایت

موزه ویکتوریا و آلبرت / <https://collections.vam.ac.uk/item/O1503175/fragment/>